

مآخذ اشعار عربی جلد چهارم* تاریخ و صّاف

علیرضا حاجیان‌نژاد (دانشیار دانشگاه تهران)

در نظر شرف‌الدین عبدالله بن فضل‌الله شیرازی ملقب به و صّاف الحضرة، از ادبای مشهور قرن هشتم، مؤلف تجزیه‌الأمصار و تجزیه‌الأعصار معروف به تاریخ و صّاف، موضوع و حوادث تاریخ محمل و جولانگاهی است برای هنر‌نمایی‌های ادبی. خود او، در معرفی اثرش می‌نویسد:

موضوع این کتاب بدایع ترسل و علم معانی و سخنرانی است و حکایت تاریخ بالغرض پیرایه آن صور ساخته و چند جای شرح آن داد. (تجزیه‌الأمصار، ص ۵۹۲)

و صّاف الحضرة جای‌جای اثر خود را با حکمت‌ها، امثال، آیات و احادیث، و اشعار عربی و فارسی آراسته است. در نظر او، درج اشعار دیگران در مطاوی سخن عیب نیست. وی، در جلد چهارم تاریخ و صّاف بیش از سیصد بیت عربی، در مطاوی روایت تاریخ گنجانده است. از مجموع این ابیات بیشترین شواهد به ترتیب از ابوالعلاء معری (۲۹ بیت)، منتبّی (۲۷ بیت)، طغرایی اصفهانی (۲۴ بیت) است. در این مقاله، ۹۶ بیت از ابیات عربی مندرج در جلد چهارم تاریخ و صّاف، از چاپ سنگی با مراجعه به نسخه عکسی به خط خود ادیب عبدالله که تاریخ انجامه آن ۷۱۱ ق است، نقل و تفاوت آنها با

* جلد چهارم دست‌نویس مؤلف است. از همین رو، مبنای پژوهش این مقاله از این جلد اختیار شد.

دیوان شاعران نیز ذکر شده است.

۱ أَهْدَى الْحَيَا لِلْوُدِّ فِي عَرَصَاتِهِ
وَتَشَفَّقَتْ فَمُصَّ الشَّقِيقِ فَخَلَّتُهُ
خَجَلًا وَ زَادَ الْيَاسَمِينَ غَرَامَا
فِي الرَّوْضِ كَاسَاتٍ مُلْتِنَ مُدَامَا

(ص ۴۵۲؛ برگ ۹۸)^۱

بیت پنج و شش است از سروده‌ای در شش بیت در دیوان سَرَى الرَّفَاءِ به مطلع

غَزَاءُ تُثْبِتُ لِلْحَيَا أَعْلَامَا عَمَّ الْبِلَادَ صَنِيعُهَا إِنْعَامَا

در دیوان، به جای «فی عرصاته» «فی شجراته» آمده است. (دیوان السرى الرفاء، ص ۲۴۶ و ۲۴۷)

۲ إِذَا فُضَّ عَنْهُ الْحَتَمُ فَاحَ بِنَفْسِجَا
وَأَشْرَقَ مِصْبَاحًا وَنَوَّرَ عُصْفُرَا

(ص ۴۵۲؛ برگ ۹۸)

شعر از ابوالقاسم عبدالضمد بن علی الطبری است (یتیمه الدهر، ج ۵، ص ۱۹۰). در این مأخذ فقط همین بیت آمده است ولی در معاهد التنصيص چنین آمده است: «و قال ابوالحسن الجوهري في وصف الخمر إلا أنه تلك التشبيه» و بیت قبل آن هم نقل شده است:

يَقُولُونَ بَغْدَادُ الَّتِي اسْتَقَّتْ نُرُوحُهُ
تُشَاكِرُهَا وَالْعَبَقْرِيُّ الْمُسْحَبَرَا

(معاهد التنصيص على شواهد التلخيص، ج ۲، ص ۸۳)

۳ وَ مُقَسِّمٍ يُعْطِي الْعَشِيرَةَ حَقَّهَا
مِنْ مَعَسِرٍ سَنَّتْ لَهُمْ آبَاؤُهُمْ
و مُعْذِمٍ لِحُقُوقِهَا هَضَامُهَا
و لِكُلِّ قَوْمٍ سُنَّةٌ وَ إِمَامُهَا

(ص ۴۵۴؛ برگ ۱۰۱)

در چاپ سنگی، «مقدم» به جای «مقسّم». شاهد ابیات هفتاد و نهم و هشتادم است از معلقه هشتاد و نه بیتی لبید بن ربیعه به مطلع

عَفَّتِ الدِّيَارُ مَحَلُّهَا فَمَقَامُهَا
بِمَنْىَ تَأْبَدُ غَوْلُهَا فَرَجَامُهَا

(شرح المعلقات العشر، خطیب تبریزی، ص ۲۰۴)

تمام قصیده در شرح المعلقات العشر (ص ۱۶۱-۲۰۸) آمده است. دو بیت شاهد در دیوان لبید بن ربیعه، تحقیق احسان عباس (ص ۳۱۹ و ۳۲۰)، ابیات هفتاد و نهم و هشتاد و یکم است. در شواهد تجزیه الأمصار، به جای «مُعْذِمٍ» «مُقَدِّمٌ» ثبت شده است.

(۱) همه جا شماره صفحه به چاپ سنگی تاریخ و ضاف و شماره برگ به نسخه عکسی آن تعلق دارد.

۴ هُنَالِكَ لَا زَنْدَ الرَّجَاءِ لِمُرْتَجٍ بِكَابٍ وَلَا بَابَ الْعَطَاءِ بِمُرْتَجٍ
(ص ۴۵۵؛ برگ ۱۰۲)

در چاپ سنگی «لارتد» به جای «لا زند».

بیت مقطع قصیده‌ای است شانزده بیتی منسوب به ابومحمد عبدالله بن احمد الخازن
به مطلع

سَقَى اللَّهُ أَيَّاماً بِشَرْقِيٍّ مُنْجٍ إِلَى الْعَلَمِ الْأَقْصَى بِعَرَبِيٍّ مُنْجٍ
(یتیمه‌الذهر، ج ۳، ص ۳۹۱-۳۹۲)

۵ يَوْمًا بِحَزْوَى وَ يَوْمًا بِالْعَتِيقِ وَ يَوْمًا بِالْخَلِيسَاءِ ...
فَتَارَةً يَنْتَهِي تَجْدًا وَ أَوْنَةً مَاءَ الْعُذَيْبِ وَ طَوْرًا قَصْرَ تِيْمَاءِ
(ص ۴۵۵؛ این دو بیت در نسخه خطی نیامده است)

مؤلف شواهد تجزیه‌الأمصار آن را از ابی‌خازن «من قصیده یمدح بها ابن عباد» خوانده و
به یتیمه‌الذهر رجوع داده است (ص ۱۸) ولی در یتیمه چنین ابیاتی نیست.

۶ فَإِنَّ غَدًا وَ أَنَّ الْيَوْمَ رَهْنٌ وَ بَعْدَ غَدٍ بِمَا لَا تَعْلَمِينَا
(ص ۴۵۷؛ برگ ۱۰۴)

چاپ سنگی: «و کان» به جای «فإن». بیت نوزدهم است از معلقه نود و شش بیتی
عمرو بن کلثوم به مطلع

أَلَا هُبِّي بِصُخْرِيكَ فَاصْبَحِينَا وَ لَا تُسْبِقِي خُمُورَ الْأَنْدَرِينَا

با این تفاوت که، در صدر مصراع اول، به جای «فإن» «و إن» آمده است. تمام قصیده
در شرح المعلقات العشر (ص ۲۵۲-۲۹۰) آمده است.

۷ لَيْسَ مُلْكُ الَّذِي يَمُوتُ بِمُلْكِي إِنَّمَا الْمُلْكُ مُلْكُ مَنْ لَا يَمُوتُ
(ص ۴۵۸؛ برگ ۱۰۴)

این بیت در التمثیل و المحاضرة (ص ۱۱) به همین صورت بدون ذکر نام شاعر،
آمده است. در شواهد تجزیه‌الأمصار، شعر به مأمون نسبت داده شده است. (ص ۱۸)

۸ إِذَا قَدَّمْتَ خَاتِمَةَ الرَّزَايَا فَقَدْ عَرَّضْتَ سُوقَكَ لِلْكَسَادِ
(ص ۴۵۹؛ برگ ۱۰۷)

بیت آخر است از سروده‌ای در چهاربیت منسوب به ابی الفرج بن میسره در رثاء صاحب بن عبّاد به مطلع

وَلَوْ قُبِلَ الْفِدَاءُ لَكَانَ يُفْدَى وَإِنْ جَلَّ الْمُصَابُ عَلَى الْفِدَاءِ
(بیتمة الذّهر، ج ۳، ص ۳۲۹)

این چهاربیت، با تفاوت جزئی در کلمات مصارح، به بیغاء نیز نسبت داده شده است.

۹ مَشُوا إِلَى الرَّاحِ مَشَى الرَّيْحُ فَأَنْصَرَفُوا وَالرَّاحُ يَمْشِي بِهِمْ مَشَى الْقَرَاظِينِ
(ص ۴۶۲؛ نسخه خطی فاقد این بیت است)

در چاپ سنگی، با قید «المؤلفه»، شعر از ادیب عبدالله دانسته شده است؛ اما، در شواهد تجزیه‌الأمصار، شعر از سرّی بن احمد معروف به الرّفاء معرّفی شده است (ص ۱۲). در دیوان السّری الرّفاء (ص ۲۷۴)، «تمشی» به جای «یمشی» آمده است.

۱۰ وَإِنَّ الْقَوْلَ مَا قَالَتْ حَدَامٌ
(ص ۴۶۴؛ برگ ۱۱۷)

این مصراع به لّجیم بن صعّب بن علی بن بکر بن وائل منسوب است. بیت کامل چنین است:

إِذَا قَالَتْ حَدَامٌ فَصَدَّقُوهَا وَإِنَّ الْقَوْلَ مَا قَالَتْ حَدَامٌ
(ربیع الابرار ونصوص الاخبار، ج ۳، ص ۱۵۵)

۱۱ وَمِنْ عَجَبٍ أَنَّ الصَّوَارِمَ فِي الْوَعْيِ تَحِيضُ بِأَيْدِيهِمْ وَهِنَّ ذُكُورٌ
(ص ۴۶۵؛ برگ ۱۲۰)

در چاپ سنگی، در مصراع دوم «بأیدی القوم و هی ذکور» ثبت شده است. بیت منسوب است به عبدالعزیز بن الحسین بن الحباب القاضی. بیت شاهد و بیت بعد از آن در مآخذ چنین نقل شده است:

وَمِنْ عَجَبٍ أَنَّ الصَّوَارِمَ فِي الْوَعْيِ تَحِيضُ بِأَيْدِي الْقَوْمِ وَهِيَ ذُكُورٌ
وَأَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَّهَا فِي أَكْفِهِمْ تَسْأَجِحُ نِسَارًا وَالْأَكْفُ بُحُورٌ
(النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ج ۵، ص ۳۷۱)

در شواهد تجزیه‌الأمصار، این شعر، به نقل از فی بعض‌المجامع، به زمخسری نسبت داده شده است. (ص ۲۲)

۱۲ وَ أَقْتِحَامُ الْأَهْوَالِ مِنْ وَقْتِ حَامٍ وَ اضْطِلَامُ الْأَبْطَالِ فِي وَسْطِ لَامٍ
(ص ۴۶۶؛ برگ ۱۲۱)

در چاپ سنگی، «هام» به جای «حام» و «مین» به جای «فی» ثبت شده است. بیت شاهد شبیه مصراع دوم در ابیات دوم و سوم سروده‌ای است در سه بیت در دیوان ابو الفتح بُسْتی به این صورت:

إِنَّ أَسْيَافَنَا الْغَضَابَ الدَّوَامِيَّ صَصِيْرَتْ مُسْلِكَنَا قَرِيْنَ الدَّوَامِ
لَمْ نَنْزِلْ نَحْنُ فِي سَمَاءٍ تُنْغَوِرُ وَ اضْطِلَامِ الْأَبْطَالِ فِي وَسْطِ لَامٍ
وَ اقْتِحَامِ الْأَهْوَالِ مِنْ وَقْتِ حَامٍ وَ اقْتِحَامِ الْأَهْوَالِ مِنْ وَقْتِ حَامٍ
(دیوان ابی الفتح البُستی، ص ۱۶۷ و ابو الفتح البُستی، حیات و شعره، ص ۳۰۱)

۱۳ نَسَقْتُ زُجَاجَاتٍ أَتَشْنَا فَرَعًا حَتَّى إِذَا مُلِيتَ بِصَرْفِ الرِّيحِ
خَفَّتْ وَ كَادَتْ أَنْ تَطِيرَ بِمَا حَوَتْ وَ كَدَا الْجِسْمُ تَخْفُ بِالْأَرْوَاحِ
(ص ۴۶۹؛ برگ ۱۲۶)

این دو بیت در زَهْرُ الْأَكْمِ فِي الْأَمْثَالِ وَ الْحِكْمِ و فَوَاتِ الْوَفِيَاتِ منسوب است به ادريس بن اليمان. در این مآخذ، به جای «و کادت» «فکادت» ثبت شده است. این ابیات در معجم الادباء به حسین بن عبدالله بن یوسف و در شواهد تجزیه الامصار به صاحب بن عبّاد نسبت داده شده است. امّا، در شواهد تجزیه الامصار، اضافه شده: «و فی سفینه الصّالحی لِادريس اليماني فی الشّراب». (ص ۲۳)

۱۴ أَيَا سَاقِيَّ الْيَوْمِ عُدَا كَأَمْسِنَا بِإِبْرِيْقِ رَاحٍ فِي الْكُؤُوسِ مُفَهِّهَةٍ
(ص ۴۷۰؛ برگ ۱۲۸)

بیت سوم از سروده‌ای است در چهار بیت در دیوان ابن معتمر به مطلع
أَلَا مَنْ لِقَلْبٍ فِي الْهَوَى غَيْرِ مُنْتَهٍ وَ فِي الْعَيِّ مَطْوَعٍ وَ فِي الرُّشْدِ مُكْرَهٍ
در دیوان ابن المعتمر (ج ۲، ص ۲۷۸)، «فيا ساقِيَّ» و در چاپ‌های دیگر «ويا ساقِيَّ» ثبت شده است.

۱۵ رَاحٌ تُرِيحُ مِنَ الْأَحْزَانِ وَ الْكَرْبِ
(ص ۴۷۰؛ برگ ۱۲۸)
مصراع اوّل مطلع سروده‌ای است در چهار بیت با کمی تفاوت، از علی بن الحسين بن

حیدره بن محمد بن عبدالله بن محمد العقیلی معروف به شریف العقیلی (وفات: ۴۵۰) و آن ابیات چنین است:

رُوحَ الكَثِيبِ وَ تَدْعُوهُ إِلَى الطَّرَبِ رَاحٌ تُرِيحُ مِنَ الْأَوْصَابِ وَ الْكُتْرَبِ
بِغَيْرِ كَأْسٍ مِنَ الْأَنْوَارِ وَ اللَّهَبِ تَلُوحُ فِي كَأْسِهَا صِرْفًا فَتَحْسِبُهَا
كَأَنَّهَا عَصِرَتْ مِنْ خَدِّ مُكْتَتِبٍ حَتَّى إِذَا مُزِجَتْ لِاحْتِ لِشَارِبِهَا
طَوْقًا مِنَ الدَّرِّ فِي ثُوبٍ مِنَ الذَّهَبِ فَاشْرَبَ عَقْرًا كَأَنَّ الْمَرْجَ صَاعَ لَهَا

(دیوان الشریف العقیلی، ص ۵۲)

۱۶ حَتَّى غَدَا الدَّيْنُ مِنْ بَعْدِ الْعُبُوسِ بِهِ جَدْلَانِ يَرْفُلُ مِنْ نُعْمَاهُ فِي حُلَلِ
(ص ۴۷۰؛ برگ ۱۲۸)

بیت چهارم است از سروده ای پنجاه بیته در دیوان بیغاه و این ابیات با بیت زیر شروع شده است:

كَأَنَّمَا ادَّخَرَ الرَّحْمَنُ مُعْظَمَهُ دُونَ الْمُلُوكِ لِسَيْفِ الدَّوْلَةِ الْبَسَطِ
بیت در شواهد تجزیه الأمصار از بیغاه دانسته شده است.

۱۷ أُمُّ الْوِزَارَةِ أُمُّ جَمَّةِ الْوَلَدِ لَكِنْ بِمِثْلِكَ لَمْ تَحْبَلِ وَ لَمْ تَلِدِ
(ص ۴۷۱؛ برگ ۱۲۹)

بیت به صورت فرد به نضیری منسوب است. شاعر آن را، در روزی که با جماعتی از شاعران در عید نوروز بر فخرالدوله وارد شد، سروده است. تفصیل آن در ذیل بیت آمده است. (هبة القصر و عصرة اهل العصر، ج ۱، ص ۳۲۶)

۱۸ لِتَقْبِيلِ أَفْوَاهِهِ وَ إِطْلَاقِ نَابِلِ وَ هَزَّةِ هِنْدِيِّ وَ جَرِّ عِنَانِ
(ص ۴۷۱؛ برگ ۱۲۹)

مصراع اول بیت چهارم شعری است در چهار بیت در دیوان ابن عبد ربّه اندلسی به مطلع

أَمَا وَ الَّذِي سَوَّى السَّمَاءَ مَكَانَهَا وَ مَنْ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ

بیت چهارم در دیوان (ص ۲۹۸) چنین ثبت شده است:

لِاسْتَقْبِيلِ أَفْوَاهِهِ وَ إِعْطَاءِ نَائِلِ وَ تَقْلِيْبِ هِنْدِيِّ وَ حَبْسِ عِنَانِ

این بیت در شواهد تجزیه الأمصار (ص ۲۴)، چنین ثبت شده است:

ثبت شده است. در اسرار البلاغه («فی ذکر المجاز و فی معناه»، ص ۳۴۳ و ۳۵۹) و در الايضاح (ص ۹۹) نیز آمده است.

در خزانه الأدب و لبُّ بابِ لسانِ العرب (ج ۲، ص ۱۸۲) این سروده در هفت بیت از اشعار مشهور صلتان معرّفی و به همان صورتی که در اسرار البلاغه و الايضاح آمده نقل شده است.

۲۳ نَحْنُ مِنْ قَبْلُ أَنْ ذَكَا الصَّبْحُ صِرْنَا بَعْدَ لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَّارِي
(ص ۴۷۶؛ برگ ۱۳۷)

در چاپ سنگی: «سکرنا». این بیت در شواهد تجزیه الأمصار از خمربیات باخرزی معرّفی شده است. (ص ۲۶)

۲۴ الْيَوْمَ أَنْجَزْتَ الْأَمَالَ مَا وَعَدَا وَ كَوَكَّبَ الْمَجْدُ فِي أَفْقِ الْعُلَا صَعَدَا
(ص ۴۷۶؛ برگ ۱۳۸)

در چاپ سنگی: «الآمان» به جای «الأمال». در شعری منسوب به ابو ابراهیم اسماعیل بن احمد شاشی به مطلع

المَجْدُ مَا حَرَسَتْ أَوْلَاهُ أُخْرَاهُ وَ الْفَخْرُ مَا التَّفَّ أَقْصَاهُ بِأَذْنَاهُ
بیت سوم، در آن، چنین است:

الْيَوْمَ أَنْجَزْتَ الْأَمَالَ مَا وَعَدَتْ وَ أَدْرَكَ الْمَجْدُ أَقْصَى مَا تَمَنَّاهُ
(یتیمه الدهر، ج ۳، ص ۲۸۰)

۲۵ وَلِلْأُمُورِ نَهَائِيَّتٌ وَأَطْوَارٌ (ص ۴۷۷؛ برگ ۱۳۹)

در شواهد تجزیه الأمصار این مصراع از قصیده ای در تاریخ عتبی معرّفی شده است. (ص ۲۶)

۲۶ شَهْرٌ لَهُ بِنَسِيمِهِ وَ نَعِيمِهِ صِفَةٌ تُحَاكِي جَنَّةَ الرِّضْوَانِ

(ص ۴۷۷؛ برگ ۱۳۹)

این بیت به محمد بن سلیمان المخزومی نسبت داده شده، در شعری که در وصف بهار سروده شده است. بیت اول آن چنین است:

نَيْسَانُ وَقْتُ مَسَرَّةِ الْإِنْسَانِ وَ أَوَّلُ طَيْبِ الرِّيحِ وَ الرِّيحَانِ
(مَنْ غَابَ عَنْهُ الْمُطْرِبُ، ص ۴۰)

۲۷ ما رَأَيْنَا مِثْلَهَا قَطُّ لَكِنْ قَدْ رَأَيْنَا جَمِيعَهَا أَمْثَالًا
(ص ۴۷۹؛ برگ ۱۴۲)
بیت هفتم سروده‌ای است در ده بیت منسوب به ابوالعلاء عطاء بن یعقوب الغزنوی با
پیش درآمد

فَسَرَوَيْنَا وَ مَا رَوَيْنَا وَ لَكِنْ قَدْ سَقَيْنَا بِهَا الْقُلُوبَ النَّهَالًا
(دُمَيْةُ الْقَصْرِ، ج ۲، ص ۹۴۲)

۲۸ كَأَنَّهُ قَالِبٌ لِكُلِّ هَوَى فَكَوَّهُ وَ الْمُئِنِّي عَلَى قَدَرٍ
(ص ۴۸۳؛ برگ ۱۴۹)
بیت بیست و یکم است از قصیده‌ای صد و شصت و پنج بیتی در دیوان ابن الرّومی (ج ۳،
ص ۲۲) به مطلع

يَا هَلْ مِنْ الْحَادِثَاتِ مِنْ وَزْرِ لِلْحَائِفِ الْمُشْتَجِرِ أَمْ عَصَرَ

تمام قصیده در دیوان ابن الرّومی (ج ۳، ص ۲۱-۳۰) آمده است.

۲۹ فَلَا بَارِقٌ يُسْتَامُ إِلَّا مِنَ الْحَيَا وَ لَا عَسَلٌ يُسْتَارُ إِلَّا مِنَ النَّحْلِ
(ص ۴۸۴؛ برگ ۱۵۱)

در شواهد تجزیه‌الأمصار، بیت به ابی سعید رستمی نسبت داده شده است. (ص ۲۶)

۳۰ فَفَقِيمُ الْبَاغِ قَدْ يُهْدَى لِمَالِكِهِ بِرَسْمِ خِدْمَتِهِ مِنْ بَاغِهِ التُّحْفَا
(ص ۴۸۴؛ برگ ۱۵۱)

بیت دوم سروده‌ای است در دو بیت که بیت اول آن چنین است:

لَا تُنْكِرَنَّ إِذَا أَهْدَيْتُ نَحْوَكَ مِنْ عُلُومِكَ الْعُرُ أَوْ آدَابِكَ التُّسْتَفَا

(دیوان ابی الفتح البُستی، ص ۱۲۹ و ابوالفتح البُستی، حياته و شعره، ص ۲۸۰)

۳۱ فَإِصَابَةُ الْخُلَفَاءِ فِيمَا حَاوَلُوا مَقْرُونَةٌ بِكَفَايَةِ الْوُزَرَاءِ
(ص ۴۲۹؛ برگ ۱۶۵)

با اندکی تفاوت، بیت چهل و پنج است از قصیده چهل و شش بیتی در دیوان ابیوردی
به مطلع

طَرَقَتْ وَ نَحْنُ بِسُرَّةِ الْبُطْحَاءِ وَ اللَّيْلُ يَنْشِيرُ وَ قَرَّةَ الظُّلْمَاءِ

در دیوان الیوردی (تصحیح الدكتور عمر الاسعد، ص ۱۳۸) به جای «فاصباة» و «اصابة» آمده است. تمام قصیده در صفحات ۱۳۱-۱۳۶ چاپ مذکور و صفحه ۱۸۸ چاپ دیگر (درا الیقظة، سوریه) مندرج است. بیت شاهد در روض الاخيار چنین آمده است:

و أصالة الخلفاء فيما حاولوا مقرونه بكفاسة الوزراء

در چاپ دیگر دیوان الیوردی، بیت بیست و پنجم است از قصیده ای بیست و شش بیتی.

۳۲ كَأَنَّهُ خَمْرٌ وَلَا قَدْحٌ وَ كَأَنَّهَا قَدْحٌ وَلَا خَمْرٌ

(ص ۴۹۹؛ برگ ۱۷۹)

بیت دوم قطعه ای معروف است که مؤلف الايضاح آن را در باب اغراض تشبیه به عنوان شاهد مثال ذکر کرده و به صاحب بن عبّاد نسبت داده است. شعر در الايضاح (ص ۳۶۳) به صورت زیر آمده است:

رَقٌّ الرَّجَاجُ وَ رَاقَتِ الْخَمْرُ وَ تَشَابَهَا فَتَشَاكَلُ الْأَمْرُ
فَكَأَنَّهُ خَمْرٌ وَلَا قَدْحٌ وَ كَأَنَّهَا قَدْحٌ وَلَا خَمْرٌ

در محاضرات الأدباء، باب «فی الشرب و الشرب» آمده است: «و قال الصاحب: و قيل هما لأبي نؤاس» و بیت اول به صورت زیر ثبت شده است:

رَقٌّ الرَّجَاجُ وَ رَاقَتِ الْخَمْرُ وَ تَشَابَهَا فَتَشَابَهَ الْأَمْرُ

(ج ۱، ص ۷۸۶)

۳۳ سَيْوْفٌ جِدَادٌ يَا لُؤَيَّ بْنَ غَالِبٍ حِدَادٌ وَ لَكِنْ أَيْنَ لِلسَّيْفِ ضَارِبٌ

(ص ۵۰۰؛ برگ ۱۸۰)

در دیوان ابن الوردی (ص ۶۹۱-۷۴۹) سروده ای در دو بیت وجود دارد که مصراع دوم بیت دوم آن با مصراع اول بیت شاهد در تاریخ و صاف یکی است. ابیات به صورت زیر ثبت شده است:

أَيَا حَاجِبِ السُّلْطَانِ زَائِكَ حَاجِبٌ وَ أَعْنَاكَ فِي الْهَيْجَاءِ عَنِ قَوْلِ حَاجِبٍ
وَ يَا صُدْعَةَ الْمَلُوءِ أَنْ إِحْظَاظُهُ سَيْوْفٌ جِدَادٌ يَا لُؤَيَّ بْنَ غَالِبٍ

(دیوان ابن الوردی، ص ۱۲۰)

۳۴ وَ كَذَا الْعُلَى لَا يُسْتَبَاحُ نِكَاحُهَا إِلَّا بِحَيْثُ تُطَلَّقُ الْأَعْمَارُ

(ص ۵۰۰؛ برگ ۱۸۰)

در وفیات الأعیان، این بیت به علی الصلیحی نسبت داده شده است. بیت قبل از آن چنین است:

أَنْكَحْتُ بِيضَ الْهِنْدِ سَمَرًا قَابِهِمْ فَرُوُّوسُهُمْ عَرْضَ النَّثَارِ نِثَارُ
(ج ۳، ص ۹، ذیل شماره ۴۵۷)

به جای «عرض»، در نسخه بدل «دون» و در خریدة القصر «عوض» ضبط شده است.

۳۵ بُدُورٌ زَهَّهِنَّ الْمَلَا حَةً أَنْ يُرَى لَهِنَّ نِقَابٌ فَالْوُجُوهُ سَوَافِرُ
(ص ۵۰۱؛ برگ ۱۸۳)

بیت آخر سروده‌ای است منسوب به ابوسعید الزّسیمی به مطلع

بَدَتْ يَوْمَ حُرُوزِي مِنْ كَوَاهَا الْمَحَاجِرُ فَعَادَ عَذُولِي فِي الْهُوِي وَ هُوَ عَاذِرُ
(یتیمه الذّهر، ج ۳، ص ۳۵۷)

بیت شاهد در نَفْحَةُ الرِّيحَانَةِ وَ رَشْحَةُ طَلَاءِ الْحَانَةِ نیز آمده است.

۳۶ بَلُوتٌ اللَّيَالِي فَلَمْ يَتَزِنُ بِأَدْنَى الْإِسَاءَةِ إِحْسَانُهَا
فَلَا تَحْمَدَنَّ عَلَيَّ وَصَلْهَا فَفِي نَفْسِ الْوَصْلِ هِجْرَانُهَا
(ص ۵۰۲؛ برگ ۱۸۴)

شعر از دیوان عبدالصّمد بن منصور بن الحسن بن بابک است. از این دیوان، نسخه بسیار نفیسی در کتابخانه ملی به شماره ۴۹۴ نگهداری می‌شود که متأسفانه تا بخشی از قافیۀ «ل» را بیشتر ندارد. مؤلف شواهد تجزیه الأمصار شعر را از اسماعیل بن احمد الشّاشی دانسته که درست آن اسماعیل بن محمّد الشّاشی است. این دو بیت را ثعالبی در لباب الآداب و خاصّ الخاص آورده است.

۳۷ حَامِي الْحَقِيقَةِ مَهْدِي الطَّرِيقَةِ مَحْدُ مَوْدُ الْخَلِيقَةِ نَفَّاعٌ وَ صَرَّارُ
(ص ۵۰۵؛ برگ ۱۸۸)

بیت منسوب به خنساء است اما در دیوان خنساء در قصیده‌ای که، با همین وزن و قافیه، در رثای برادرش صخر، به مطلع زیر سروده است وجود ندارد:

قَدَيْ بِسَعْيَيْكَ أُمُّ بِالْعَيْنِ عَوَّارُ أُمُّ دَرَقَتْ إِذْ خَلَّتْ مِنْ أَهْلِهَا الدَّارُ
(دیوان الخنساء، ص ۴۷-۵۰؛ مجانی الحدیث، ج ۲، ص ۲۶۷ و بعد)

در انیس الجلساء فی شرح دیوان الخنساء این قصیده وجود ندارد. این بیت به صور گوناگون در جنگ‌ها و مجموعه‌ها آمده است. در الأمالی:

حامی الحقیقة مهدئ الطریفة ممهـ حوض الخلیفة نفاع و صرار
و در الايضاح (ص ۵۵۰)؛ عقد الفرید (ج ۳، ص ۲۲۴)؛ زهراً لکم فی الأمثال و الحکم (ج ۳، ص ۲۲۴)؛
المثل السائر فی أدب الكاتب و الشاعر (ص ۱۶۳):

حامی الحقیقة محمود الخلیفة مهـ لدئ الطریفة نفاع و صرار
در الحماسة البصریة (ج ۲، ص ۶۴۸) باب «التأیین و الرثاء»، بیت شاهد و بیت پیش از آن
چنین آمده است:

وَأَنْ صَخْرًا لَوَالِئِنَا وَسَيِّدُنَا
وَأَنْ صَخْرًا إِذَا نَشْتُو لَنَحَارُ
حامی الحقیقة مرضى الخلیفة مهـ لدئ الطریفة نفاع و صرار

در همه منابع مذکور، بیت شاهد به خنساء نسبت داده شده است.

۳۸ كُلُّ ذِي دَوْلَةٍ وَ أَمْرٍ مُطَاعٍ
وَمَتَاعٍ وَ عَسْكَرٍ جَزَارٍ
مَلَكُوا بُرْهَةً فَسَادُوا وَ قَادُوا
ثُمَّ صَارُوا أَحْدُوثةَ السُّمَارِ
(ص ۵۵۵؛ برگ ۱۸۸)

ابیات، با اندکی تفاوت، در قصیده‌ای به ابوالفرج احمد بن علی بن خلف همدانی نسبت
داده شده است به مطلع

فِي ظِلَامِ الدَّجَى وَ ضَوْءِ النَّهَارِ
أَيُّسَةً لِّلْمُهَيِّمِينَ الْجَبَّارِ

ابیات شاهد بیت‌های چهاردهم و پانزدهم قصیده است به صورت

كُلُّ ذِي نُخُوَّةٍ وَ أَمْرٍ مُطَاعٍ
وَأَمْتِنَاعٍ وَ عَسْكَرٍ جَزَارٍ
مَلَكُوا بُرْهَةً فَسَادُوا وَ قَادُوا
ثُمَّ صَارُوا أَحْدُوثةَ السُّمَارِ
(بیمة الدهر، ج ۵، ص ۲۹۵-۲۹۶)

عظاملک نیز، در تاریخ جهانگشا (ج ۲، ص ۵۹)، به این دو بیت استشهاد کرده است.

۳۹ هَبْنِي عَلَى الْمَكْرُوهِ أَصْبِرُ جَاهِدًا
مِنْ أَيْنَ لِي صَبْرٌ عَنِ الْمَحْبُوبِ
(ص ۵۰۷؛ برگ ۱۹۱)

به صورت فرد از شیخ ابو علی الشبلی است (دمية القصر، ج ۲، ص ۹۰۸)

۴۰ كِرَاحٍ فِي زُجَاجٍ بَلَّ كُرُوجٍ سَرَتْ فِي جِسْمٍ مُعْتَدِلِ الْمِرْجَاحِ
(ص ۵۰۸؛ برگ ۱۹۴)

بیت آخر سروده‌ای است در چهار بیت از ابوالفتح بستی به مطلع
کتابک سیدی جلئی هُمومی وَ جَلَّ بِهِ اَعْتِبَاطِي وَ اَبْتِهَاجِي
(ابوالفتح البُستی، حیاته و شعره، ص ۲۷۳؛ دیوان ابی الفتح البُستی، ص ۵۴)

۴۱ وَ انظُرْ مِنْ عَيْشِي الَّذِي كَانَ ذَابِلًا وَ بَيَّضَ مِنْ حَالِي الَّذِي كَانَ حَالِكًا
(ص ۵۰۸؛ برگ ۱۹۴)

بیت دوم است از سروده‌ای در چهار بیت منسوب به ابوبکر با این تفاوت که به جای
«وانظر» «فانظر» ثبت شده است. مطلع آن چنین است:

کتابک بدرالدین وافی فُسْرَنِي وَ سَرَّ شَجِيءٍ كَرِيمٍ مَقَالِكَا
(کشکول بهاء‌الدین عاملی، ج ۲، «فی الغلمان»)

۴۲ وَ الْجِنْسُ إِلَى الْجِنْسِ كَمَا قَبِيلَ يَمِيلُ (ص ۵۱۲؛ برگ ۲۰۰)
مصراع چهارم از رباعی منسوب به شمس‌الدین محمد بن ابراهیم الحلبی معروف به
ابن الحنبلی است. تمام رباعی چنین است:

طَرَفَاكَ كِلَاهُمَا ضَعِيفٌ وَ عَلِيلٌ مِثْلِي وَ اَنَا الْعَلِيلُ مِنْ اَجَلِ عَلِيلٍ
مِنْ ضَعْفِي قَدْ صَرَفْتُ مَيْلِي لِهُمَا وَ الْجِنْسُ إِلَى الْجِنْسِ كَمَا قَبِيلَ يَمِيلُ
(ريحانة الألبنا و زهرة الحياة الدنيا، ج ۱، ص ۱۷۲)

۴۳ إِنَّ السَّرَاةَ قَصِيرَةٌ الْأَعْمَارِ (ص ۵۱۳؛ برگ ۲۰۰)
مصراع دوم سروده‌ای است در دو بیت منسوب به عبیده بن هلال. صورت کامل آن
چنین است:

يَهْوَى وَ تَرَفَعَهُ الرُّمَاحُ كَأَنَّهُ شِلُّوْ تَنْسَبُ فِي مَحَالِبِ ضَارٍ
فَيْرِي صَرِيحًا وَ الرُّمَاحُ تَنوُشُهُ إِنَّ السَّرَاةَ قَصِيرَةٌ الْأَعْمَارِ
(بهجة المجالس و أنس المجالس و شحد الذاهن و الهاجس، ج ۱، ص ۴۷۶ و ۴۷۷)

مؤلف شواهد تجزیه‌ی الأمصار شعر را به ابی الفرار نسبت داده است. (ص ۳۱)

۴۴ وَ مُعَبَّرٌ فِي كُلِّ يَوْمٍ كَرِيهَةٌ وَ جُهِي وَ عَرْضِي مَا عَلَيْهِ غُبَارٌ
(ص ۵۱۶؛ برگ ۲۰۴)

مؤلف شواهد تجزیه‌الأمصار بیت را از داعی بالله العلوی دانسته است. (ص ۳۱)

۴۵ فِي فِتْيَةٍ صَدَّهَ الْحَدِيدُ لِبَاسِهِمْ وَ خُلُوقُهُمْ عَلَتْ النَّجِيعَ الْأَحْمَرَ
(ص ۵۱۶؛ برگ ۲۰۴)

در چاپ سنگی: «فی فیتیه». بیت شانزدهم است از قصیده‌ای در سی و هفت بیت در دیوان ابن هانی اندلسی به مطلع

فُتِيَتْ لَكُمْ رِيحُ الْجِلَادِ بِعُتْبِرٍ وَ أَمَدُكُمْ فَلَقِيَ الصَّبَاحَ الْمُسْفِرِ

ضبط مصراع اول شاهد به این صورت است: فی فیتیه صدأ الدروع عبیرهم (دیوان ابن هانی
الاندلسی، ص ۱۶۲). تمام قصیده در صفحات ۱۶۱-۱۶۲ دیوان آمده است.

۴۶ وَ أَرْجَفَ الْأَرْضَ بِالْغَارَاتِ وَ الْغَيْلِ (ص ۵۱۷؛ برگ ۲۰۷)

مصراع دوم بیت سی و دوم است از قصیده‌ای چهل بیتی در دیوان ابن بابک. صورت
کامل بیت شاهد چنین است:

قَدَ وَقَّرَ الدَّهْرَ بِالتَّدْبِيرِ هَيْبَتُهُ وَ أَرْجَفَ الْأَرْضَ بِالْغَارَاتِ وَ الْغَيْلِ

۴۷ هَوَاهَا وَ رَاهَا وَ السُّرَى مِنْ أَمَامِهَا فَهَنَّ صَحِيحَاتُ النَّوَظِرِ حُوكُ

(ص ۵۱۷؛ برگ ۲۰۸)

شعر از أسامة بن مرشد بن علی بن مقلد بن نصر بن منقذ الکتانی الشیرازی معروف به أسامة
الشیرازی (۴۸۸-۵۸۴) است. در سروده‌ای با عنوان بحر طویل آمده است که شاعر، در آن،
سه مصراع را همقافیه آورده، پس از آن، یک بیت با قافیه جداگانه نشانده که این قافیه در
بندهای متوالی تکرار می‌شود، تقریباً شبیه ترجیع‌بند فارسی:

إِذَا أُجْفَلْتُ فِي الْبَيْدِ جُفَلْتُ نَعَامِهَا

كَأَنَّ أَفَاعِي الرَّمْلِ تُنِي زَمَامِهَا

تُنَّتْ لَيْتَهَا نَحْوَ الصَّبَا وَ أَنْسَامِهَا

هَوَاهَا وَ رَاهَا وَ السُّرَى مِنْ أَمَامِهَا فَهَنَّ صَحِيحَاتُ النَّوَظِرِ حُوكُ

(دیوان أسامة بن منقذ، ص ۳۱۷)

۴۸ فَوَدَّتِ الْعَيْنُ أَنَّهَا أُذُنٌ تَسْمَعُ وَالْأُذُنُ أَنَّهَا حَدَقٌ

(ص ۵۲۳؛ برگ ۲۱۸)

در چاپ سنگی، به جای «فَوَدَّتْ» «فَرُدَّتْ» آمده است. شاهد بیت پایانی از سروده‌ای است در نه بیت منسوب به ابوسعید رستمی. بیت آغازین آن چنین است:

قولوا لِيُوشِنَانَ نَامَ عَنْ أَرْقِي فِيهِ وَ حَاشَا جُفُونَهُ الْأَرْقُ

(بیتمة الذهر، ج ۳، ص ۳۶۷)

۴۹ حَمْرَاءُ صَافِيَةٌ فِي جَوْفِ صَافِيَةٍ بَيْضَاءُ تَسْمَى بِهَا خَوْدٌ مِنَ الْحُورِ
 حَسَنَاءُ تَحْمِلُ حَسَنًا وَفِي يَدِهَا صَافٍ مِنَ الرَّاحِ فِي صَافِي الْقَوَارِيرِ

(ص ۵۲۴؛ برگ ۲۲۰)

این ابیات منسوب است به ابراهیم بن المهدی در توصیف جاریه‌ای که شراب در دست دارد. ابن عبد ربّه بیت اول را در عقد الفرید چنین ثبت کرده است:

حمرأ صافية في جوف صافية يسعى بها نخونا خود من الحور

و کلمه‌ای از آن را چنین معنی کرده: الخود: الشابة الناعمة الحسنه الخلق. (ج ۷، ص ۴۲)

۵۰ حَتَّى إِذَا الصُّبْحُ دَنَا ضَوْؤُهُ وَ غَابَتِ الْجُوزَاءُ وَ الْمِرْزَمُ

(ص ۵۲۹؛ برگ ۲۲۱)

بیت هفتم از سروده‌ای است در هشت بیت منسوب به اسماعیل بن یسار که، در آن، به جای «دنا» «بدا» ثبت شده است. مطلع آن در الحماسة البصرية چنین است:

أوفى بما قلت ولا تندمى إن الوفى القبول لا يندم

(ج ۳، ص ۱۰۲۹)

و در دلائل الإعجاز فی علم المعانی بخش «نماذج تحلیلیة لأهمیة النظم»، به صورت زیر آمده و به اسماعیل بن یسار نسبت داده شده است:

حتى إذا الصبح بدا ضؤُهُ وَ غابتِ الجوزاءُ و المِرزَمُ

خرجتُ و الوطءُ خفى كما ينسابُ من مكمينه الأرقمُ

(ص ۶۴۳)

در الوافی بالوفیات آمده است: «قال اسحاق الموصلى: غنى الوليد بن يزيد فى شعر لاسماعيل بن يسار». در اینجا نیز، مؤلف بیت اول شاهد را همچون ضبط‌های سابق آورده اما بیت دوم

را چنین نقل کرده است:

أَقْبَلْتُ وَ الْوَطْءُ خَفِيفٌ كَمَا
يُنْسَابُ فِي مَكْمَنِهِ الْأَرْقَمُ
(ج ۹، ص ۲۴۲، ذیل شماره ۴۱۴۹)

۵۱ مِنْ اللَّاءِ لَمْ يَحْجِجْنَ يَبْغِينَ حِسْبَةً
وَ لَكِنْ لَسِيئَتُنَّ التَّقَى الْمُغْفَلَا
(ص ۵۲۵؛ برگ ۲۱۳)

بیت هجدهم است از قصیده‌ای بیست و یک بیتی در دیوان العرجی، ابو عمر عبدالله بن عمرو بن عمرو بن عثمان بن عفان الأموی القرشی (ص ۲۸۶). در چاپ سنگی، به جای «المغفلا» «المفضلا» آمده است. مطلع قصیده چنین است:

رَأَيْتِي خَضِيبَ الرَّأْسِ شَمَّرَتْ مِزْزِي
وَ قَدْ عَهَدْتَنِي أَسْوَدَ الرَّأْسِ مُسْبِلَا
با این تفاوت که، در دیوان، به جای «التقى» «البرى» ثبت شده است. تمام قصیده در دیوان (ص ۳۸۳-۳۸۶) آمده است.

۵۲ وَ رَبُّمَا كَانَ مَكْرُوهُ الْأُمُورِ إِلَى
مَحْبُوبِهَا سَبِيًّا مَا مِثْلُهَا سَبَبٌ
(ص ۵۲۷؛ برگ ۲۲۴)

بیت هجدهم است از قصیده‌ای سی و دو بیتی در دیوان بختری (ص ۲۹۳) به مطلع

نَحْنُ الْفِدَاءُ فَمَا خُوذُ وَ مُرْتَقَبُ
يَنْوِبُ عَنَّا إِذَا هَمَّتْ بِكَ النُّوبُ
(ج ۲، ص ۲۹۲-۲۹۴)

با این تفاوت که، در دیوان، به جای «ما مثلها» در مصراع دوم «ما مثله» ثبت شده است.

۵۳ سَنَّةٌ أَقْبَلْتُ مَعَ الْإِقْبَالِ
وَ زَمَانٌ مِنَ الْمَيَامِينِ حَالِي
(ص ۵۲۷؛ برگ ۲۲۵)

مطلع قصیده‌ای سیزده بیتی است منسوب به قاضی ابوبشر الفضل بن محمد الجرجانی معروف به قاضی جرجانی. (بیتمة الدهر، ج ۴، ص ۵۳)

۵۴ وَ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ صَفَرَاءَ فِي سُودِ الْجَوَالِيْقِ (ص ۵۲۷؛ برگ ۲۲۵)
مؤلف شواهد تجزیه الأمصار این مصراع را از ابو منصور ثعالبی دانسته است. (ص ۳۴)

۵۵ يُقَلِّبْنَ أَسَاطِينَ وَ يَلْعَبْنَ بِشُعْبَانِ
عَلَيْهِنَّ تَجَافِيْفٌ تَشْهَرْنَ بِأَلْوَانِ
(ص ۵۲۸؛ برگ ۲۲۶)

ابیاتی است از قصیده بدیع الزمان همدانی به مطلع
تَعَالَى اللَّهُ مَا شَاءَ وَ زَادَ اللَّهُ إِيْمَانِي
که در دیوان بدیع الزمان همدانی آمده اما ابیات شاهد در آن نیست.
این شعر در لباب الآداب ابومنصور ثعالبی به صورت زیر آمده است:

يُفَلِّبْنَ أَسَاطِينَ وَ يُلْعَبْنَ بِتُجَبَانِ
عَلَيْهِنَّ تَجَافِيْفٌ يَشْهَرْنَ بِأَلْوَانِ

(ج ۲، ص ۱۲۵)

مصحح لباب الآداب آن را در قلاب گذاشته است. یک بیت قبل از دو بیت شاهد و بیت بعد از شاهد که مقطع قصیده است، مجموعاً چهار بیت، الحاقی دانسته شده است. این دو بیت در جهانگشا (ج ۱، ص ۹۱) نیز آمده است.

۵۶ وَ عِنْدَ التَّنَاهِي تَقْصُرُ الْمُتَطَاوِلُ (ص ۵۳۲؛ برگ ۲۳۴)

این مصراع مکرر در اشعار شاعران با اندکی تفاوت آمده است؛ مثلاً، در دیوان الشَّابِ الظَّرِيفِ، مصراع دوم بیت پایانی قصیده‌ای در چهارده بیت است به مطلع
حَلَلْتُ بِأَحْشَاءِ لَهَا مِنْكَ قَاتِلُ فَهَلْ أَنْتَ فِيهَا نَازِلٌ أَوْ مُنَازِلُ
بیت پایانی آن چنین است:

نَعَمْ قَدْ تَنَاهَى فِي الظَّلَامِ تَطَاوُلًا وَ عِنْدَ التَّنَاهِي يُقْصِرُ الْمُتَطَاوِلُ

(ص ۱۷۴-۱۷۵)

در دیوان ابن نباتة المصري (ص ۳۹۵)، مصراع دوم بیت هفتم قصیده‌ای سی و شش بیتی است به مطلع

لَهُ كُلُّ يَوْمٍ فَيْكٍ وَ إِيَّاشٍ وَ عَادِلُ وَ فِي قَلْبِهِ شُغْلٌ مِنَ الْحُبِّ شَاغِلُ

بیت شاهد چنین است:

تَطَاوَلَتِ الْأَغْصَانُ تَحْكِي قَوَامُهُ وَ عِنْدَ التَّنَاهِي يُقْصِرُ الْمُتَطَاوِلُ

(ص ۳۹۵-۳۹۶)

در دیوان ابن الوردی، مصراع دوم بیت مقطع قصیده‌ای بیست و سه بیتی است به مطلع
جِهَادُكَ مَقْبُولٌ وَ عَامُكَ قَابِلُ أَلَا فِي سَبِيلِ الْمَجْدِ مَا أَنْتَ فَاعِلُ

بیت پایانی آن چنین است:

وَقَصَّرَ طُولِي عِنْدَكُمْ حُسْنُ صَبْرِكُمْ وَعِنْدَ التَّنَاهِي يَفْضُرُ الْمُتَطَاوِلُ
(ص ۱۹۴-۱۹۵)

مؤلف شواهد تجزیه‌ی الأمصار (ص ۳۴) مصراع را به ابوالعلاء معری نسبت داده که در دیوان او نیافتیم.

۵۷ إِذْ يَقْلُصُ الشَّفَتَانِ عَنْ وَضْحِ الْفَمِ (ص ۵۳۳؛ برگ ۲۳۶)
مصراع دوم بیت شصت و چهارم از معلقه عنتره بن شداد (شرح المعلقات العشر، ص ۲۴۲) به مطلع

هَلْ غَاذَرَ الشُّعْرَاءُ مِنْ مُتَرَدِّمٍ؟ أَمْ هَلْ عَرَفْتَ الدَّارَ بَعْدَ تَوَهُمٍ؟

بیت شاهد چنین است:

وَلَقَدْ حَفِظْتُ وَصَاةَ عَمِّي بِالضُّحَى إِذْ تَقْلُصُ الشَّفَتَانِ عَنْ وَضْحِ الْفَمِ
چنانکه ملاحظه می‌شود، در معلقات به جای «يَقْلُصُ» «تَقْلِصُ» آمده است. در شرح المعلقات العشر خطیب تبریزی تمام معلقه آمده است.

۵۸ فَلَا تَكْتُمَنَّ اللَّهُ مَا فِي صَدُورِكُمْ لِيَخْفَى وَ مَهْمَا يُكْتُمُ اللَّهُ يَعْلَمُ
(ص ۵۳۴؛ برگ ۲۳۸)

بیت بیست و هفتم (شرح المعلقات العشر، ص ۱۴۵) از معلقه پنجاه و نه بیتی زهیر بن ابی سلمی به مطلع

أَمِنْ أُمَّ أَوْفَى دِمْنَةً لَمْ تَكَلِّمْ بِحَوْمَانَةِ الدَّرَاجِ فَالْمُتَنَلِّمِ
۵۹ وَمَنْ لَا يُصَانِعُ فِي أُمُورٍ كَثِيرَةٍ يُضَرِّسُ بِأَنْبِيَابٍ وَيُوطَأُ بِمِنْسَمِ
(ص ۵۳۴؛ برگ ۲۳۸)

بیت پنجاه و چهارم است از همان معلقه زهیر بن ابی سلمی (شرح المعلقات العشر، ص ۱۵۹).

۶۰ يُقْبَلُونَ ثَرَابًا فَوْقَ أَعْظَمِهِ كَمَا يُقْبَلُ وَسْطَ الْكَعْبَةِ الْحَجَرُ
(ص ۵۳۴؛ برگ ۲۳۸)

بیت هشتم (دیوان الفرزدق، ص ۲۵۹) از قطعه شعری در نه بیت است که فرزددق، هنگام ورود به شام با شنیدن خبر موت عبدالعزیز، سرود به مطلع

إِنَّ الْأَرَامِلَ وَالْأَيْتَامَ قَدْ يَتُسُّوْا و طَلَبِي الْعُرْفِ إِذْ لَاقَاهُمُ الْخَبْرُ
 این شعر در دیوان الفرزدق (ج ۱، ص ۲۵۸ و ۲۵۹) آمده است.

۶۱ وَقَوْرٌ إِذَا خَلَّتْهُ وَطِبَاعُهُ وَإِنْ هَزَّ هَزَّ الْأَرْضِ فَرَطُ انْتِفَاضِهِ
 وَيُخْفِي اصْطِفَاقَ الرَّعْدِ رَجْعُ صَهِيلِهِ وَيُخْفِتُ صَوْتَ اللَّيْلِ بَيْنَ غِيَاضِهِ
 (ص ۵۳۵؛ برگ ۲۳۹)

بیت اول آن بیت نهم است از قصیده‌ای در هجده بیت منسوب به ابوالعباس ضَبِّي
 به مطلع

دَعَا نَاطِرِي يُفْقِدُ لَذِيذَ اغْتِمَاضِهِ وَ قَلْبِي يَسْتَشْعِرُ أَلِيمَ ارْتِمَاضِهِ

بیت دوم آن، در حالی که از نظر وزن و قافیه یکی است، در قصیده نیامده است. (← یتیمه
 الدهر، ج ۳، ص ۲۶۲-۲۶۳). مؤلف شواهد تجزیه‌الأمصار (ص ۳۵) شعر را به ابوسعید رستمی
 نسبت داده است.

۶۲ فَلَا نِلْتُ إِلَّا لَحْمَ كَفَى مَطْعَمًا وَلَا ذُقْتُ إِلَّا مَاءَ عَيْنِي مَشْرَبًا
 (ص ۵۳۶؛ برگ ۲۴۱)

در چاپ سنگی: «مَانِلْتُ». در نفحة الریحانة و رشحة طلاء الحانة، بدون ذکر نام
 بی جدا کردن مصراع‌ها، چنین آمده است:
 وَلَا ذُقْتُ إِلَّا مَاءَ عَيْنِي مَشْرَبًا وَلَا نِلْتُ إِلَّا لَحْمَ كَفَى مَطْعَمًا. (ج ۱، ص ۵۲۵، ذیل السید
 سلیمان المعروف بالحموی الکاتب)

مؤلف شواهد تجزیه‌الأمصار بیت را به ابوبکر علی بن الحسن القهستانی نسبت داده است.

۶۳ دَارٌ مَائِمُهَا تَبْقَى وَلَذَّتْهَا تَفْنَى أَلَا قُبَحَتْ هَاتِكِ مِنْ دَارِ
 (ص ۵۳۶؛ برگ ۲۴۲)

بیت پنجم است از قصیده‌ای هفده بیتی به مطلع
 قَدْ أَنْ بَعْدَ ظَلَامِ الشَّيْبِ إِبْصَارِي لِلسُّيْبِ صُحَّحَ يِنَاجِينِي بِإِسْفَارِ
 منسوب به وزیر ظهیرالدین ابو شجاع محمد بن الحسین بن عبدالله بن ابراهیم. (خریده‌القصیر و
 جريدة العصر، القسم العراقي، الجزء الأول، ص ۷۹-۸۰)

۶۴ وَكُنْتُ فِتْنِي مِنْ جُنْدِ إبْلِيسَ فَأَرْتَمِي بِي الْحَالُ حَتَّى صَارَ إبْلِيسُ مِنْ جُنْدِي

وَلَوْ عِشْتُ حَتَّى مَاتَ أَحَدٌ بَعْدَهُ طَرَائِقَ فِئْسِقٍ لَيْسَ يُحْسِنُهَا بَعْدِي
(ص ۵۳۸؛ برگ ۲۴۴)

در الايضاح (ص ۱۴۳)، بیت اول به عنوان شاهد مثال آمده است و به ابی نواس الحسن بن هانی و، در منابعی دیگر، با اندکی تفاوت، به الخُبْرُ الأرزى نسبت داده شده است در قصیده‌ای چهل و شش بیتی به مطلع

يقولون صِفْ حَزَبَ الرَّعِيَّةِ وَ الْجُنْدِ وَ صَلِّحْ رِجَالِ مِنْ بِلَالٍ وَ مِنْ سَعْدِ

که ابیات چهل و پنجم و چهل و ششم آن چنین است:

وَ كُنْتُ فَتًى مِنْ جُنْدِ إِبْلِيسَ فَأَزْتَقَى بِي الأَمْرُ حَتَّى صَارَ إِبْلِيسُ مِنْ جُنْدِي
فَلَوْ مَاتَ قَلْبِي كُنْتُ أَحْسِنُ مِثْلَهُ صَنَائِعَ فِئْسِقِ لَيْسَ يُحْسِنُهَا بَعْدِي

مؤلف شواهد تجزیه‌الأمصار بیت دوم را به صورت زیر نقل کرده و شاهد را من ابیات المِفْتَاح لأبی نواس دانسته است. (ص ۳۶)

وَلَوْ مَاتَ قَلْبِي كُنْتُ أَحْسِنُ بَعْدَهُ طَرَائِقَ فِئْسِقِ لَيْسَ يُحْسِنُهَا بَعْدِي

عَرِيضُ زَوْرٍ وَ بُلْدَةٌ وَ صَلَا رَحِيْبُ صَدْرِ وَ مِشْحَرٍ وَ مَعَا ۶۵

(ص ۵۴۱؛ برگ ۲۴۷)

بیت دهم است از قصیده‌ای بیست و یک بیتی منسوب به ابو محمد الخازن به مطلع

لَوْ سَامَحَ الدَّهْرُ أَعْصَمًا صَدَعًا أَوْ كَاسِرًا فَنُزِقَ مِرْبُتًا وَقَعَا

(بیتمه‌الدهر، ج ۳، ص ۲۵۹-۲۶۰)

نَسِيمُ الصَّبَا يَحْكِيهِ فِي هَزْلِ سِيرِهِ وَ تَرْهَبُهُ رِيحُ الشَّمَالِ إِذَا جَدَا ۶۶

(ص ۵۴۳؛ برگ ۲۴۸ پشت)

بیت دهم است از قصیده‌ای منسوب به ابو عیسی به مطلع

لَقَدْ عَظُمْتُ عِنْدِي المَصِيبَةُ فِي الأَصْدَا وَ أُبِدْتُ لِي لِي اللَّدَاثُ مِنْ بَعْدِهِ صَدَا

(بیتمه‌الدهر، ج ۳، ص ۲۶۷ و ۲۶۸)

بِكَفِّ غَزَالٍ ذَاتِ دَلٍّ مُعَشَّقٍ وَ صُدَّعَيْنِ كَالْقَافَيْنِ فِي طَرْفِي سَطْرٍ ۶۷

(ص ۵۴۲؛ برگ ۲۴۸ رو)

با اندکی تفاوت، بیت دوم سروده‌ای است در سه بیت به مطلع

ظَلَلْتُ بِمَلْهَى خَيْرِ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ تَدُورُ عَلَيْنَا الْكَأْسُ فِي فَيْتِيَةِ زُهْرٍ

بیت شاهد به این صورت ثبت شده است:

بِكَسْفٍ غَزَالٍ ذِي عِدَارٍ وَ طُرَّةٍ وَ صُدْعَيْنِ كَالْقَائِيَيْنِ فِي طَرْفَيْ سَطْرِ
(دیوان ابن المعتز، ج ۲، ص ۲۰۷ و ۲۰۸)

۶۸ أُقْبِلُ ذَا الْجِدَارِ وَ ذَا الْجِدَارَا (ص ۵۴۹؛ نسخه خطی مؤلف، بخش حاوی این مصراع -
«صفت عرض کتاب» - را ندارد)

شاهد مصراع دوم بیت دوم قطعه‌ای است که در آن ابن نباته مصری به بنی فاطمه
اظهار ارادت می‌کند. صورت کامل ابیات چنین است:

أَحِبُّ دِيَارَ سَادَاتِي وَ لِمَ لَا أَحِبُّ لِأَلِ فِاطِمَةَ الدِّيَارَا
فَمَنْ لِي أَنْ أَطُوفَ بِبَابِهَا أُقْبِلُ ذَا الْجِدَارِ وَ ذَا الْجِدَارَا
وَ أَدْخُلُ جَنَّةً قَدْ عَجَّلْتُ لِي لِأُنْصِيَ بِالْوَلَاءِ أَمِنْتُ نِسَارَا

(دیوان ابن نباته المصری، چاپ بیروت، ص ۲۴۴؛ دیوان ابن نباته المصری، چاپ مصر، ص ۲۴۴)

همچنین، در دیوان مجنون لیلی، مصراع شاهد در دو بیت با عنوان «أَمْرٌ عَلَى الدِّيَارِ» چنین
ثبت شده است:

أَمْرٌ عَلَى الدِّيَارِ دِيَارِ لَيْلِي أُقْبِلُ ذَا الْجِدَارِ وَ ذَا الْجِدَارَا
وَ مَا حُبُّ الدِّيَارِ شَغَفٌ قَلْبِي وَ لَكِنْ حُبٌّ مَنْ سَكَنَ الدِّيَارَا

(ص ۱۷۳)

۶۹ أَحِبُّ الصَّالِحِينَ وَ لَسْتُ مِنْهُمْ لَعَلَّ اللَّهَ يَرْزُقُنِي صَاحِلَا
(ص ۵۵۰؛ نسخه خطی مؤلف بخش حاوی این بیت را ندارد)

شعر از امام شافعی است و در دیوان او به صورت زیر آمده است:

أَحِبُّ الصَّالِحِينَ وَ لَسْتُ مِنْهُمْ لَعَلِّي أَنْ أَنْسَلَ بِهِمْ شَفَاعَةَ
وَ أَكْرَهُ مَنْ تَجَارَتْهُ الْمَعَاصِي وَ لَوْ كُنَّا سَوَاءً فِي الْبِضَاعَةِ

(دیوان الامام الشافعی، ص ۷۳)

۷۰ خِيَالِي لِلْحَبِيبِ دَنَا فَالَا كَصَادٍ يَحْسَبُ الضَّحْضَاحَ الْوَالَا
(ص ۵۵۰؛ نسخه خطی این بخش را ندارد)

شاهد مطلع قصیده‌ای است در سی بیت که مؤلف شواهد تجزیه الامصار سروده ابو علی

القاسم بن علی در مدح و صاف الحضرة دانسته است. (ص ۳۶)

۷۱ أَلَا لَا أَلَاءَ إِلَّا لِأَلَاءِ [لابث] (ص ۵۵۰؛ نسخه خطی بخش حاوی این بیت را ندارد)
مصراع اول از بیت سی و چهارم است از قصیده پنجاه و پنج بیتی منسوب به امرؤ القیس که در شرح دیوان امری القیس به مطلع زیر آمده است:

لِمَنْ طَلَّلَ بَيْنَ الْجُدَيْيَّةِ وَالْجَبَلِ مَحَلُّ قَدِيمِ الْعَهْدِ طَالَتْ بِهِ الطَّيْلُ
امری القیس، در یک بیت قبل از بیت شاهد و هفت بیت بعد از آن یعنی مجموعاً هشت بیت متوالی، از کلمات به همین صورت استفاده کرده است. بیت کامل در شرح دیوان امری القیس چنین است:

أَلَا لَا أَلَاءَ إِلَّا لِأَلَاءِ لَابِثٍ وَ لَا أَلَاءَ إِلَّا لِأَلَاءِ مَنْ رَحَّلُ
مصراع شاهد در ص ۱۹۰ و تمام قصیده در ص ۱۸۶-۱۹۲ شرح دیوان امری القیس آمده است.

۷۲ الدَّهْرُ يَلْعَبُ بِالْوَرَى لِعَبِّ الصَّوَالِجِ بِالْكُرَى
(ص ۵۵۱؛ نسخه خطی بخش حاوی این بیت را ندارد)
شعر از ابوالفتح بستی است در چهار بیت که بیت شاهد مطلع آن است و ابیات بعد چنین است:

أُولِعِبَ رِيحَ عَاصِفٍ عَصَفَتْ بِكَفِّ مِنْ ذُرَّةِ
و يَتَقَوَّدُهُ نَحْوُ السُّعَا ذَّةٍ وَ الشُّفَاءِ بِلَا بُرَّةِ
الدَّهْرُ قَنَاصٌ وَ مَا لِإِنْسَانٍ إِلَّا قُنْبُرُهُ
ابیات یک و دو از این شعر در تاریخ جهانگشای جونی (ج ۱، ص ۸۳) آمده است. ضبط تاریخ جهانگشا در بیت چهارم اندکی متفاوت و مصراع اول آن به صورت «الدَّهْرُ قَنَاصٌ وَ مَا أَلُّ» ثبت شده است.

۷۳ عَزَائِمٌ لَوْ أَلْقَى عَلَى الْأَرْضِ ثِقَلَهَا شَكَتْ مِنْهُ مَا لَمْ تَشْكُهُ مِنْ جَمَالِهَا
(ص ۵۵۳؛ نسخه خطی بخش حاوی این بیت را ندارد)
بیت پنجم است از سروده‌ای در یازده بیت منسوب به ابو سعید رستمی به مطلع

وَحَسَنَاءُ لَمْ تَأْخُذْ مِنَ الشَّمْسِ شَيْمَةً
سِوَى قُرْبِ مَسْرَاهَا وَبُعْدِ مَنَالِهَا
(بیتمة الذهر، ج ۳، ص ۳۷۰ و ۳۷۱)

۷۴ دَعَوْنِي أَصِلْ إِرْقَالَهَا بِدَمِيلِهَا
وَ أَطْوِي الدُّجَى حَتَّى أَرَى صُبْحَهَا الْمُجَلِي
(ص ۵۵۳؛ نسخه خطی بخش حاوی این بیت را ندارد)

بیت بیست و دوم است از قصیده‌ای چهل و پنج بیتی منسوب به ابوسعید رستمی
به مطلع

سَلَامٌ عَلَي رَمْلِ الحَمَى عَدَدَ الرَّمْلِ
وَقَلَّ لَهُ السَّلِيمُ مِنْ عَاشِقٍ مِثْلِي
(بیتمة الذهر، ج ۳، ص ۳۷۱-۳۷۳)

۷۵ هَكَذَا طَرِيقُ المَعَالِي (ص ۵۵۳؛ نسخه خطی بخش حاوی این عبارت را ندارد)
شعر منسوب است به بدیع الزمان همدانی و شاهد مصراع اول بیت نهم (بیت آخر) آن
است. صورت کامل آن چنین است:

هَكَذَا هَكَذَا تَكُونُ المَعَالِي طَرِيقُ الجِدِّ غَيْرُ طَرِيقِ المِزَاجِ
در دیوان بدیع الزمان همدانی این ابیات وجود ندارد. در زهرالآداب و ثمرالآداب، جزء
اشعاری آمده که در مدح شمس المعالی قابوس ابن وشمگیر سروده شده است.
بدیع الزمان همدانی آن را در تضاعیف رساله موشح با ابیاتی به مطلع
إِنَّ مَنْ كُنْتُ مِنْ مُنَاهُ بِمَرَأَى وَ تَعَدَاكَ سَيِّءُ الإِقْتِرَاحِ
سروده است که مؤلف زهرالآداب، به اختصار، ابیاتی از آن را آورده است. (زهرالآداب و
ثمرالآداب، ج ۲، ص ۳۸۲-۳۸۳)

۷۶ هَوَادِي الحَيَا طَلٌّ وَ عُقْبَاءُ وَابِلٌ (ص ۵۵۳؛ نسخه خطی بخش حاوی این مصراع را ندارد)
مصراع دوم بیت زیر است منسوب به عَزَى:

تَقَدَّمْتُ فَضْلاً إِنَّ تَأَخَّرْتُ مُدَّةً
هَوَادِي الحَيَا طَلٌّ وَ عُقْبَاءُ وَابِلٌ
بیت بعد چنین است:

وَ قَدْ جَاءَ وَتَرَ فِي الصَّلَاةِ مُؤَخَّراً
بِهِ خُتِمَتْ تِلْكَ الشُّفُوعُ الأَوَابِلُ
مطلع قصیده چنین است:

قُلُوبُ الْوَرَى أَشْرَاكُهُنَّ الشَّمَائِلُ وَ شُهْبُ الْعُلَى أَفْلَاكُهُنَّ الْفَضَائِلُ
(خریده القصر و جریده العصر، «قسم شعراء الشام»، الجزء الأول، ص ۴۲)

۷۷ قَدَمْعَى وَ شَخْصَى وَ الْمَطِئِي مُقَطَّرُ (ص ۵۵۴: نسخه خطی مؤلف بخش حاوی این مصراع را ندارد)

مصراع اول از بیت دهم قصیده‌ای بیست و هشت بیتی است در دیوان باخرزی که در مدح نظام‌الملک سروده شده است. صورت کامل بیت چنین است:

قَدَمْعَى وَ شَخْصَى وَ الْمَطِئِي مُقَطَّرُ وَ قَلْبِي وَ قُرْصُ الشَّمْسِ وَ الْهَمُّ وَاجِبُ
مطلع قصیده چنین است:

تُسْرَمُ غَدَاً لِإِلْطَاعَيْنِ الرُّكَائِبُ فَتُحْدَى وَ تُحْدَى بِالنَّجَائِبِ
(← علی بن الحسن الباخری، حياته، شعره و دیوانه، ص ۶۷)

۷۸ وَ أَنَا الْمَانِعُونَ لِمَا أَرَدْنَا وَ أَنَا النَّازِلُونَ بِحَيْثُ شِئْنَا
وَ أَنَا الْعَاصِمُونَ إِذَا أُطِعْنَا وَ أَنَا الْغَارِمُونَ إِذَا عُصِينَا
(ص ۵۶۰؛ برگ ۲۵۵)

ابیات هفتاد و هفتم و هفتاد و هشتم از معلقه عمرو بن کلثوم است به مطلع

أَلَا هُبِّي بِصَخْنِكِ فَنَاصِحِينَا وَ لَا تُسْبِقِي خُمُورَ الْأَنْدَرِينَا

ابیات شاهد در شرح المعلقات العشر به این صورت آمده است:

وَ أَنَا الْمَانِعُونَ لِمَا يَلِينَا إِذَا مَا الْبَيْضُ زَايَلَتِ الْجُفُونَا
وَ أَنَا الْمُنْعِمُونَ إِذَا قَدَرْنَا وَ أَنَا الْمُهْلِكُونَ إِذَا أُتِينَا

فخرالدین قباوه، مصحح شرح المعلقات العشر، پس از این دو بیت، چهار بیت دیگر به

نقل از جمه‌ره و شرح زوزنی در پانوشت آورده که دو بیت آن چنین است:

وَ أَنَا الْحَاكِمُونَ بِمَا أَرَدْنَا وَ أَنَا النَّازِلُونَ بِحَيْثُ شِئْنَا
وَ أَنَا النَّارِكُونَ لِمَا سَخَطْنَا وَ أَنَا الْأَجْدُونَ لِمَا هَوِينَا

و در پانوشت صفحات ۲۸۳ و ۲۸۴، افزوده که این دو بیت صورت دیگر ابیات شماره

۶۲ و ۶۳ (ص ۲۷۸-۲۷۹) در شرح المعلقات العشر خطیب تبریزی به این ضبط است:

وَ نَحْنُ الْحَاكِمُونَ إِذَا أُطِعْنَا وَ نَحْنُ الْعَازِمُونَ إِذَا عُصِينَا

وَإِنَّا لَنَلَّهُو بِالسُّيُوفِ كَمَا لَهَتْ
فَسْتَاةٌ يَسْعَدُ أَوْ سَخَابٍ فَرْتُغَلْ
(← شعراء مُقَلَّون، ص ۲۵۸ و عشرة شعراء مُقَلَّون، ص ۲۷۰ و ۲۷۱)

ابیات دوم و سوم این سروده در المُسْتَطَرَف (ج ۲، ص ۸۳) نیز آمده است. بیت سوم همان سروده قبلی است که مصراع نخست آن در تاریخ و صاف استشهاد شده است؛ دیگر بار، در سروده‌ای سه بیتی، مطلع اختیار شده است به این صورت:

وَ مَنْ يَفْتَقِرُ مِنَّا يَعْشُ بِحُسَامِهِ
وَ مَنْ يَفْتَقِرُ مِنْ سَائِرِ النَّاسِ يَسْأَلُ
ابیات شاهد در تاریخ جهانگشای جوینی (ج ۲، ص ۱۴۴) نیز آمده است.

۸۲ فَكَأَنَّمَا بَرَقَ تَالِقٌ بِالْحِمَى
ثُمَّ انْطَوَى فَكَأَنَّهُ مَا أُبْرِقَا
(ص ۵۷۱-۵۷۲؛ برگ ۲۷۴)

در چاپ سنگی: «لَمْ يَلْمَعْ» به جای «ثُمَّ انْطَوَى». شاهد بیت آخر از سروده‌ای است هفت بیتی مندرج در دیوان سهروردی به مطلع
خَلَقَتْ هَيَاكِلَهَا بِجَزَعَاءِ الْحِمَى
وَ صَبَتْ لِمَغْنَاهَا الْقَدِيمِ تَسْوُفَا
که بیت شاهد، در آن، به این صورت آمده است:

فَكَأَنَّمَا بَرَقَ تَالِقٌ بِالْحِمَى
ثُمَّ انْطَوَى فَكَأَنَّهُ مَا أُبْرِقَا
مؤلف شواهد تجزیه‌ی الأمصار بیت را از قصیدهٔ وَرَقَائِيَّةِ ابن سینا دانسته است. (ص ۴۰)

۸۳ مِنَ الْأَوَانِسِ مِثْلَ الشَّمْسِ لَمْ يَرَهَا
بِسَاحَةِ الدَّارِ لَا بَعْلٌ وَلَا جَاؤُ
(ص ۵۷۲؛ برگ ۲۷۵)

در چاپ سنگی: «فی ساحة» به جای «بِسَاحَةِ». بیت منسوب است به عبدالرحمان بن الحکیم بن ابی العاص. بیت پیش از آن چنین است:

هَيْفَاءَ فِيهَا إِذَا اسْتَقْبَلْتَهَا عَجْفٌ
عَجْرَاءُ غَامِضَةٌ الْكَعْبَيْنِ مِعْطَاؤُ
(المحبّ و المجهود و المشموم و المشروب، الباب الحادی و العشرون، السّوق و امتلأها)

۸۴ كَأَنَّ أُيْدِيَهُنَّ بِالقَاعِ القَرَقُ
أُيْدَى جَوَارٍ يَمْعَاطِينَ الوَرَقُ
(چاپ سنگی فاقد این بیت است و جایش سطر پانزدهم بعد از عبارت
«و ایلچیان بر باذنیان تسابق...»؛ برگ ۲۸۱)

بیت به صورت مفرد در مجموع اشعار العرب (ص ۱۷۹) آمده است.

۸۵ لَسْتُ تَدْرِي لِرِيقَةٍ وَ صَفَاءِ هِيَ فِي كَأْسِهَا أَمِ الْكَأْسِ فِيهَا

(ص ۵۷۷؛ برگ ۲۸۴)

شاهد بیت دوم سروده‌ای است از ابو عثمان خالدی (وفات: ۳۹۰). بیت اول آن چنین است:

هَتَفَ الصُّبْحُ بِالْذَّجَى فَاسْتَفِينِيهَا قَهْوَةٌ تَسْتُرُكُ الْحَلِيمَ سَفِينِيهَا

بیت شاهد با شعر معروف صاحب بن عبّاد (وفات: ۳۸۵)

رَقَّ الزُّجَاجُ وَ رَاقَتِ الْخَمْرُ وَ تَشَابَهَا فَتَشَاكَلُ الْأَمْرُ
فَكَأَنَّهُ خَمْرٌ وَ لَا قَدْحٌ وَ كَأَنَّهَا قَدْحٌ وَ لَا خَمْرُ

هم مضمون است. این دو بیت در یتیمه الذّهر (ج ۲، ص ۱۸۴) و معجم الأدباء (ج ۱۱، ص ۲۱۰) نیز آمده است. شمس‌الدین محمد النّواجی (وفات: ۸۵۹)، مؤلف حَبِيبَةُ الْكُمَيْتِ فِي الْأَدَبِ وَ النَّوَادِرِ، طبع مصر، ۱۳۵۷ / ۱۹۳۸ این دو بیت را آورده و آن را از کشاجم دانسته است. (← دیوان الخالدیین، ص ۱۵)

۸۶ كُلَّمَا نَمَّ بِالصَّبَاحِ سِوَاؤُ كَذَّبْتُهُ قَلَانِدٌ وَ عُقُودُ

(چاپ سنگی فاقد این بیت است؛ برگ ۲۸۴)

جای بیت در چاپ سنگی صفحه ۵۷۸، سطر دوم پس از عبارت «ضمایر را روان فرمودند در آن وقت که بر قضیه، شعر...». شاهد از سروده‌ای است در دو بیت منسوب به ابوالجوائز حسن بن علی الواسطی. بیت اول آن چنین است:

تَمَّ هَبَّتْ رُؤْيِحَةُ الْفَجْرِ وَالْكَأْسِ شِئْحُ نَاءٍ وَ الْعَاذِلَاتُ رُقُودُ

در دُمِيَّةُ الْقَصْرِ (ج ۱، ص ۳۵۶)، به جای «بالصباح» در مصراع اول «لِلْفُضُولِ» آمده است. ضبط تاریخ و صَاف با نسخه بدل دُمِيَّةُ الْقَصْرِ برابر است.

۸۷ فُجِعُوا بِهِ أَشْبَالُهُ وَ عَبِيدُهُ وَ جُنُودُهُ وَ اللَّهُ حَسْبُ الْفَاجِعِ
تَرَكُوا بِمُعْتَرِكِ الْمَلَا حِمِّ شَلْوُهُ حَيْرَانٌ بَيْنَ مُدَافِعٍ وَ مُدَافِعِ

(ص ۵۸۱؛ برگ ۲۹۰)

مؤلف شواهد تجزیه‌الأمصار شعر را منسوب به شهاب‌الدین ابی‌الشرف الجربادقانی دانسته است. (ص ۴۱)

۸۸ بِمُتَّقِفِ صَدَقِ الْكُعُوبِ مَقُومٍ (ص ۵۸۶؛ برگ ۲۹۸)

مصراع دوم از بیت چهل و نهم معلقه عنتره بن شداد است (شرح المعلقات العشر، ص ۲۳۴) به مطلع

هَلْ غَاذَرَ الشُّعْرَاءُ مِنْ مُسْتَرَدِّمٍ أَمْ هَلْ عَرَفْتَ الدَّارَ بَعْدَ تَوْهْمِ

تمام بیت چنین است:

جَادَتْ يَدَايَ لَهُ بِعَاجِلِ طَعْنَةٍ بِمُتَّقِفِ صَدَقِ الْكُعُوبِ مَقُومِ

تمام معلقه در شرح المعلقات العشر آمده است.

۸۹ وَ أَى سِرَاجٍ بِالنَّوَابِيبِ لَا تُطْفِئِي (ص ۵۹۱؛ برگ ۳۰۷)

مؤلف شواهد تجزیه الأمصار (ص ۴۲) درباره این مصراع آورده است: «مِنْ قَصِيدَةِ لِأَبِي أَحْمَدِ بَرْدُونَ بْنِ عَيْسَى».

۹۰ وَ كَمْ لِحِبَاهِ الرَّاغِبِينَ لَدَيْهِ مِنْ مَجَالِ سُجُودِ فِي مَجَالِسِ جُودِ

(ص ۵۹۲؛ نسخه خطی فاقد بخش حاوی این بیت است)

در چاپ سنگی، شعر به ادیب عبدالله (وصاف الحضرة) نسبت داده شده و اینگونه انتساب مکرر در آن آمده است. شاهد بیت دوم سروده ای است منسوب به ابوحفص عمرو بن المظوعی الحاکم. بیت اول آن چنین است:

أَرَى حَضْرَةَ السُّلْطَانِ يُفْضِي عُفَاتِهَا إِلَى رَوْضِ مَسْجِدِ بِالسَّمَاكِ مَجُودِ

(یتیمه الدهر، ج ۵، ص ۱۹۳)

در دُمیة القصر (ج ۲، ص ۹۷۵، ذیل الحاکم ابوحفص عمرو بن علی المظوعی) فقط بیت نخست آمده است.

۹۱ إِذَا مَحَاسِنِي اللَّاتِي أُدِلُّ بِهَا كَانَتْ ذُنُوبًا فَقُلْ لِي كَيْفَ أَعْتَدِرُ

(ص ۵۹۲؛ نسخه خطی فاقد بخش حاوی این بیت است)

این بیت در مآخذ به صورت زیر آمده است:

إِذَا مَحَاسِنِي اللَّاتِي أُدِلُّ بِهَا كَانَتْ عُيُوبِي فَقُلْ لِي كَيْفَ أَعْتَدِرُ

در المصون فی الأدب (ص ۷۵)، بیت به بُحْتَرِي نسبت داده شده است. در شواهد تجزیه الأمصار، به جای «عیوبی» «ذنوبی» آمده است.

۹۲ وَلَا تَرْتَبْ لِفَهْمِي إِنَّ رَقْصِي عَلَى مِقْدَارِ اِيقَاعِ الزَّمَانِ

(ص ۵۹۲؛ نسخه خطی فاقد بخش حاوی این بیت است)

در چاپ سنگی، که پُر است از انتساب‌های غلط، این شعر با قید «لِمُؤَلَّفِهِ» به ادیب عبدالله (وصاف الحضرة) نسبت داده شده است. در نسخه تاریخ و صَاف دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نیز چنین اشتباهی رخ داده است. در مآخذ متعدّد، این بیت به دو شاعر نسبت داده شده است. یکی این معتر (وفات: ۲۹۶)، شاعر نامدار عرب، که بیت شاهدی بیت دوم سروده‌ای است از او در دو بیت:

إِذَا أَحْسَسْتَ فِي حَظِّي فُتُوراً وَ حَظِّي وَ الْبَلَغَةَ وَ الْبَيَانَ
 فَلَا تَرْتَبْ لِفَهْمِي إِنَّ رَقْصِي عَلَيَّ مِقْدَارِ اِيقَاعِ الزَّمَانِ

در دیوان ابوالفتح بُستی (وفات: ۴۰۰)، شاعر ایرانی عربی سرا، شعر شاهد (بیت دوم در بالا) به همان صورت است با اندک تفاوت که درخور ذکر نیست. اما در بیت اول، تفاوت بیشتری مشاهده می‌شود. ضبط تاریخ و صَاف به شعر ابوالفتح بُستی نزدیک‌تر است. سروده بُستی چنین است:

إِذَا أَبْصَرْتَ فِي لَفْظِي فُتُوراً وَ حَظِّي وَ الْبَلَغَةَ وَ الْبَيَانَ
 فَلَا تَرْتَبْ بِفَهْمِي إِنَّ رَقْصِي عَلَيَّ مِقْدَارِ اِيقَاعِ الزَّمَانِ

(دیوان ابوالفتح بُستی، ص ۱۹۵)

بیت شاهد در جهانگشای جوینی (ج ۱، ص ۷) نیز آمده است. این ابیات در روض الاخیار (ص ۳۳۵) چنین ثبت شده است:

لَئِنْ أَدْرَكْتَ فِي نَظْمِي فُتُوراً وَ وَهناً فِي بَيَانِي لِمُعَانِي
 فَلَا تُنْسَبْ بِفَهْمِي إِنَّ رَقْصِي عَلَيَّ مِقْدَارِ تَنْشِيطِ الزَّمَانِ
 ۹۳ كَأَنَّهَا بُوْتَقَةٌ أَحْمِيَّتْ يَجُولُ فِيهَا ذَهَبٌ ذَائِبٌ

(ص ۵۹۴؛ نسخه خطی فاقد بخش حاوی این بیت است)

بیت دوم سروده‌ای است در دو بیت در دیوان الوزير المَهَلَبِي (۲۹۱-۳۵۲). بیت اول آن چنین است:

الشَّمْسُ فِي مَشْرِقِهَا قَدْ بَدَتْ مُسْنِيرَةً لَيْسَ لَهَا حَسَابُ

۹۴ كَطَيْبِ الْأَمَانِ وَ نَيْلِ الْأَمَانِي (ص ۵۹۴؛ نسخه خطی فاقد بخش حاوی این مصراع است)

مصراع دوم بیت دوازدهم است از قصیده اخوانیه صاحب بن عبّاد. صورت کامل بیت چنین است:

كَبُرِدِ الشَّبَابِ وَ بَرْدِ الشَّرَابِ وَ ظِلِّ الْأَمَانِ وَ نَيْلِ الْأَمَانِي

مطلع قصیده چنین است:

عَنَانِي مِنَ الْهَمِّ مَا قَد عَنَانِي فَأَعْطَيْتُ صَرْفَ اللَّيَالِي عِنَانِي

این قصیده هجده بیتی را صاحب در جواب قصیده ای سروده که ابو احمد عبدالرحمان بن الفضل الشیرازی به او نوشته و از بیماری نقرس شکایت کرده است. مطلع قصیده عبدالرحمان بن الفضل الشیرازی چنین است:

إِلَى اللَّهِ أَشْكُو ضَنْئِي شَفَنِي وَ كَمْ قَبْلَهُ مِنْ ضَنْئِي قَدْ شَفَنَانِي

قصیده عبدالرحمان بن الفضل هم در هجده بیت سروده شده است. ابیات بعد از شاهد چنین است:

وَ عَهْدُ الصَّبِيِّ وَ نَسِيمُ الصَّبَا وَ صَفْوُ الدَّنَانِ وَ رَجْعُ الْقِيَانِ
فَلَوْ أَنَّ الْفَاعِلَ جَسَمَتْ لَكَانَتْ عَقْوَدَ نَحْوِ الْغَوَانِي
فَيَالَيْتَ عُمَرَى فِي عَمْرٍو يُزَادُ وَ لَسَوْ أَنَّهُ حَقْبَتَانِ
فَيَا مُهْجَةً قَدَّمَتْ دُونَهُ بِغَايَةِ عِنْدَ ذِكْرِ الْغَوَانِي
أَجِيبْ عَنِ الشُّعْرِ مُسْتَرْسِلًا بِطَبْعِ شَجَاعٍ وَ قَلْبِ جَبَانِ
فَلَوْ لَا سُكُونِي إِلَى فَضْلِهِ قَبَضْتُ بِنَانِي بِقَبْضِي لِسَانِي

(نبتة الأدهر، ج ۲، ص ۳۸۵-۳۸۶)

۹۵

أَعْلَامُ يَاقُوتِ نُشْرِنَ عَلِي رِمَاحٍ مِنْ زَبَرَجَدٍ

(ص ۵۹۴؛ نسخه خطی فاقد بخش حاوی این بیت است)

بیت منسوب است به صنوبری. مؤلف الايضاح این بیت و بیت پیش از آن را، در بحث طرفین تشبیه، شاهد مثال آورده است. بیت اول آن چنین است:

وَ كَانَ مُحَمَّرُ الشَّقِيقِي إِذَا تَصَوَّبَ أَوْ تَصَعَّدَ

(الايضاح، ص ۳۳۵-۳۳۶)

۹۶

وَ كَانَ أَجْرَامَ السَّمَاءِ لَوَامِعًا دُرُّ نُثْرَنَ عَلِي بِسَاطِ أُرْزَقِ

(ص ۵۹۴؛ نسخه خطی فاقد بخش حاوی این بیت است)

بيت منسوب است به ابوطالب الرقي، (نهاية الارب في فنون الادب، القسم الادبي، السفر الاول، ص ٣٣)

٩٧ وَاِلَّا فَاِنِّي عَاذِرٌ وَ شَكُوْرٌ (ص ٥٩٥؛ نسخة خطی فاقد بخش حاوی این مصراع است)
شاهد مصراع دوم بيتی است منسوب به ابونواس حسن بن هانی. صورت کامل بيت
چنين است:

فإن تُولني مِنْكَ الجميل فَأَهْلُهُ وَ إِلَّا فَاِنِّي عَاذِرٌ وَ شَكُوْرٌ
(عقد الفريد، ج ١، ص ٢٥٢)

منابع

- ابوالفتح البستي، حياته وشعره، الدكتور محمد مرسى الخولي، دارالأندلس للطباعة و النشر و التوزيع، ١٩٨٥.
- الأيوردي ممثل القرن الخامس في برهان الفكر العربي، تأليف ممدوح حقي، دمشق، داراليقظة العربية للتأليف و الترجمة و النشر، بي تا.
- اسرار البلاغة، للشيخ الامام عبدالقاهر الجرجاني، تحقيق هلموت ريتز، مطبعة وزارة المعارف، استامبول ١٩٥٤.
- انيس الجلساء في شرح ديوان الخنساء، اعتنى بضبطه و تصحيحه و جمع رواياته و تعليق حواشيه و فهارسه الأب لويس شيخو اليسوعي، المطبعة الكاثوليكية للأباء اليسوعيين، بيروت ١٨٩٦.
- الايضاح في علوم البلاغة، للإمام الخطيب القزويني (٦٦٦-٧٣٩هـ)، شرح و تعليق و تنقيح د. محمد عبد النعيم خفاجي، دارالكتاب العالمي - الدار الافريقية العربية، ١٩٨٩.
- بهجة المجالس و أنس المجالس و سحذ الذاهن و الهاجس، تأليف الإمام ابي عمر يوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر النمرى القرطبي (٣٦٨-٤٦٣هـ)، تحقيق محمد مرسى الخولي، الدار المصرية للتأليف و الترجمة، قاهره، تاريخ مقدمه ١٩٦٢.
- تاريخ جهانگشاى جوينى، عظاملك الدين بن بهاء الدين محمد بن شمس الدين محمد جوينى، سازمان نشر كتاب، انتشارات بامداد و انتشارات ارغوان، چاپ سوم، تهران ١٣٦٧.
- تجزية الأمصار و تزجية الأعصار معروف به تاريخ و ضاف الحضرة، شرف الدين عبدالله ابن فضل الله شيرازى، به كوشش محمد مهدى اصفهانى، چاپ به طريق افسست از چاپ ١٢٦٩ بمبئى با سرمايه كتابخانه ابن سينا و جعفرى تبريز، چاپ رشدييه، تهران ١٣٣٨.
- التمثيل و المحاضرة، لأبى منصور عبدالملك بن محمد بن اسماعيل الثعالبي، تحقيق عبدالفتاح محمد الحلوى، دار احياء الكتب العربية، قاهره ١٣٨١ ق / ١٩٦١.

الحمدسة البصرية، لإصدار الدين بن ابى الفرج بن الحسين البصرى، اعتنى بتصحيحه و التعليل عليه الدكتور مختار الدين احمد، طبع بإعانة وزارة المعارف للحكومة العالمة الهندية، مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية، حيدرآباد الذكن ۱۳۸۳ق / ۱۹۶۴.

خريدة القصر و جريدة العصر، للعماد الإصفهاني الكاتب، قسم شعراء الشام، الجزء الاول، عُني بتحقيقه الدكتور شكرى فيصل، المطبعة الهاشمية، دمشق ۱۳۷۵ق / ۱۹۵۵.

خريدة القصر و جريدة العصر، تأليف عماد الدين الإصبهاني الكاتب، القسم العراقي، الجزء الاول، حَقَّقَهُ و ضَبَطَهُ و شَرَحَهُ و كَتَبَ مَقْدَمَتَهُ مُحَمَّدٌ بِهِجَةِ الأَثْرَى، مطبعة المجمع العلمى العراقي، ۱۳۷۵ق / ۱۹۵۵. خزائن الأدب و غاية الأرب، لإبى بكر على بن عبدالله المعروف بابن حجة الحموى، دراسة و تحقيق الدكتور كوكب دياب، دار صادر، بيروت ۱۴۲۱ / ۲۰۰۱.

خزائن الأدب و لبُّ لباب لسان العرب، تأليف عبدالقادر بن عمر البغدادي، تحقيق و شرح عبدالسلام محمد هارون، مكتبة الخانجي، الطبعة الرابعة، قاهره ۱۴۱۸ / ۱۹۹۷.

دلائل الإعجاز فى علم المعانى، عبدالقاهر جرجاني، به تصحيح محمد رشيدرضا، المنار، مصر ۱۳۳۱ق. دلائل الإعجاز فى القرآن، شيخ عبدالقاهر جرجاني، ترجمه و تحشية دكتور سيد محمد رادمنش، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوى، مشهد ۱۳۶۸.

دمية القصر و عصرة أهل العصر، تأليف على بن الحسن بن على بن أبى الطيب الباخري، تحقيق و دراسة الدكتور محمد التونجي، دار الجليل، بيروت ۱۴۱۴ / ۱۹۹۳.

ديوان ابن بابك، نسخة خطى محفوظ در كتابخانه ملكى جمهورى اسلامى ايران، به شماره ۴۹۴. ديوان ابن الزومى، شرح و تحقيق عبدالأمير على مهنا، منشورات دار و مكتبة الهلال، بيروت ۱۴۱۱ / ۱۹۹۱. ديوان ابن المعتز، شرحه مجيد طراد، دار الكتاب العربى، ۱۴۱۵ / ۱۹۹۵. ديوان ابن نباتة المصرى، و هو الديوان الشعرى الكبير الذى لم يسبق طبعه قبل الآن، دار احياء التراث العربى، بيروت، بى تا.

ديوان ابن نباتة المصرى، و هو الديوان الشعرى الكبير الذى لم يسبق طبعه قبل الآن، ملتمزم الطبع الشيخ محمد القليلي، مطبعة التمدن بعابدين، قاهره ۱۳۲۳ق / ۱۹۰۵.

ديوان ابن الوردى، لىشيخ العلامة الأديب الألمع زين الدين ابو حفص عمر بن مظفر بن عمر الوردى الشافعى، تحقيق الدكتور عبدالحميد هندواى، دارالآفاق العربية، قاهره ۱۴۲۷ / ۲۰۰۶.

ديوان ابن هانى الأندلسى، دار صادر، بيروت، بى تا. ديوان أبى الفتح البستي، تحقيق الأستاذ بن وريّة الخطب و لطفى الصّقال، مطبوعات مجمع اللغة العربية، دمشق ۱۴۱۰ / ۱۹۸۹.

ديوان الأيوبرى، تحقيق الدكتور عمر الأسعد، مطبعة زيد بن ثابت، ۱۳۹۴ق / ۱۹۷۴. ديوان أسامة بن مقيّد، حَقَّقَهُ و قَدَّمَ لَهُ الدكتور احمد احمد بدوى و حامد عبدالمجيد، المطبعة الأميرية، قاهره ۱۹۵۳.

- ديوان الإمام الشافعي، جَمَعَهُ و شَرَحَهُ الاستاذ زرزور، الطبعة الرابعة، بيروت ١٤١٢ / ١٩٩٢.
- ديوان البحتری، دارالکتب العلمیة، بيروت ١٤٠٧ / ١٩٨٧.
- ديوان بديع الزمان الهمداني، دراسة و تحقيق يُسرى عبدالغنى عبدالله، دارالکتب العلمیة، بيروت ١٤٠٧ / ١٩٨٧.
- ديوان الخالديين، ابي بكر محمد و ابي عثمان سعيد ابني هاشم الخالدي، جَمَعَهُ و حَقَّقَهُ الدكتور سامي الدهان، دمشق ١٣٨٨ ق / ١٩٦٩.
- ديوان الخنساء، دار صادر و دار بيروت للطباعة و النشر، بيروت ١٣٧٩ ق / ١٩٦٠.
- ديوان السري الرفاء، عن نُسخَتَي الأديبين تيمور باشا و البارودي باشا، دارالجيل، بيروت ١٤١١ / ١٩٩١.
- ديوان الشاب الطريف، شمس الدين محمد بن عفيف الدين سليمان التلمساني، مكتبة النهضة العربية - عالم الكتب، ١٤٠٥ / ١٩٨٥.
- ديوان الشريف العجلي، تحقيق الدكتور زكي المحاسني، داراحياء الكتب العربيه، قاهره، بي.تا.
- ديوان العرجي، جَمَعَهُ و حَقَّقَهُ و شَرَحَهُ الدكتور سجع جميلي الجبيلي، دار صادر، بيروت ١٩٩٨.
- ديوان الفرزدق، شرح د. علي مهدي زيتون، دارالجيل، بيروت، ١٤١٧ / ١٩٩٧.
- ديوان مجنون ليلى، إعتنى به و قدّم له عبدالرحمن المصطاوي، دارالمعرفة، الطبعة الثانية، بيروت ١٤٢٥ / ٢٠٠٥.
- ربيع الأبرار و نصوص الأخبار، تأليف ابي القاسم محمود بن عمر الزمخشري، تحقيق عبدالأمير مهنّا، منشورات مؤسسه الأعلمي للمطبوعات، بيروت ١٤١٢ / ١٩٩٢.
- روض الأخبار، المنتخب من ربيع الأبرار في علم المحاضرات في انواع المحاورات من العلوم العربية و الفنون الأدبية، تأليف العلامة و الجبر الفهامة الشيخ محمد بن قاسم بن يعقوب، الشيخ حسين الطرابلسي و شركاه، بي جا ١٢٧٩.
- ريحانة الألبا و زهرة الحياة الدنيا لشهاب الدين محمد بن عمر الخفاجي، تحقيق عبدالفتاح محمد الحلو، طبع بمطبعة عيسى البابي الحلبي و شركاه، ١٣٦٨ ق / ١٩٤٦.
- زهر الآداب و ثمر الألباب، لأبي اسحق القيرواني، مفضل و مضبوط و مشروح بقلم الدكتور زكي مبارك، حَقَّقَهُ و زاد في تفصيله و ضَمَّنْهُ و شَرَحَهُ محمد محيي الدين عبدالحميد، مطبعة السعادة، الطبعة الثالثة، ١٣٧٣ ق / ١٩٥٣.
- زهر الأكم في الأمثال و الحكم، لأحسن اليوسى، حَقَّقَهُ الدكتور محمد حجي و الدكتور محمد الأخضر، دارالثقافة، المغرب ١٤٠١ / ١٩٨١.
- شرح ديوان امرئ القيس، و معه أخبار المراقسة و اشعارهم في الجاهلية و صدر الإسلام، تأليف حسن السندوبي، مطبعة الإستقامة، الطبعة الثالثة، قاهره ١٣٧٣ ق / ١٩٥٣.
- شرح ديوان حسان بن ثابت الأنصاري، و ضَعَهُ و ضَبَطَ الديوان و صَحَّحَهُ عبدالرحمن البرقوقي، مطبعة السعادة، قاهره، بي.تا.
- شرح المعلقات العشر، الخطيب التبريزي، تحقيق الدكتور فخرالدين قباوه، دارالفكر المعاصر، بيروت، دارالفكر

دمشق، ۱۴۱۸/۱۹۹۷.

شعراء مُقَلَّون، قیس بن الخدایة، سُؤید بن کراع العُکلی، نَهْشَل بن حَزْی، الِکَمَیْت بن معروفِ الأَسَدی، بَکْر بن النُّطَّاح، المُخَبَّل السَّعَدی، الخلیل بن احمد الفراهیدی، صنعة الذکُور حاتم الضامن، عالم الکتب، بغداد ۱۴۰۷/۱۹۸۷.

شعرا بن عبد ربه الأندلسی، صنعة الذکُور محمد اديب عبدالواحد جمران، مکتبة العبيکان، ریاض ۱۴۲۱/۲۰۰۰.

شواهد تجزیة الأمصار و تَرْجِیة الأعصار، مؤلف نامعلوم، از مجموعه اهدائی علی اصغر حکمت به دانشگاه تهران، محفوظ در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، به شماره ۲۰۱ از مجموعه اهدائی حکمت، بی تا.

عَشْرَةُ شُعْرَاءٍ مُقَلَّون، صنعة الذکُور حاتم الضامن، وزارة التعلیم العالی و البحث العلمی، بغداد ۱۴۱۱/۱۹۹۰. الإِقدُّ الفَریدی، تألیف الفقیه احمد بن محمد بن عبد ربه الأندلسی، تحقیق الذکُور مفید محمد قمیحة، منشورات محمد علی بیضون - دارالکتب العلمیة، بیروت ۱۴۱۷/۱۹۹۷.

علی بن الحسن الباخری، حیاته، شعره و دیوانه، تألیف و تحقیق محمد التونجی، دار صادر، بیروت ۱۹۹۴. کتاب مَنْ غَابَ عَنْهُ الْمُطَرِّب، تألیف منصور الثعالبی، تحقیق عبدالمعین الملوحي، طلاسدار، دمشق ۱۹۸۷. لباب الآداب، لأبی منصور عبدالملک بن محمد الثعالبی، تحقیق الذکُور قحطان رشید صالح، وزارة الثقافة و الاعلام، دار الشؤون الثقافية العامة، بغداد ۱۹۸۸.

المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر، ضیاء الدین ابی الفتح نصر الله بن محمد بن محمد بن عبدالکریم الموصلی الشافعی، بی جا ۱۲۸۲.

المَجَلِی الحَدِیثَة عن مجالی الأب شیخو، طبعه ثانیة مُنْفَحَة و مَزِیدٌ عَلَیْهَا، المطبعة الكاثولیکية، بیروت بی تا. مجموع اشعار العرب و هو مشتمل علی دیوان رؤیة بن العجاج و علی ابیات مفردات منسوبة لیه، إعتنی بِتَصْحِیحِهِ و تَرْتِیْبِهِ و لیم بن الورد البروسی، طُبِعَ بِأَلَاتِ دروغولین المشهورة فی مدينة لبیخ، فی سنة ۱۹۰۳ المسيحية، يُطَلَّبُ مِن مکتبة المُتَنِّين، بغداد.

مُحاضراتُ الأدباء و مُحاوراتُ الشعراء و البُلغاء، لِإمامِ الأديبِ الزَّاعِبِ الإِصفهاني، حَقَّقَهُ و صَبَطَ نُصُوصَهُ و عَلَّقَ حَواشِيَهُ الذکُور عمر الطباع، شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم، بیروت ۱۴۲۰ ق / ۱۹۹۹. المُجَبُّ و المُجُوب و المَشْمُومُ و المَشْرُوب، السَّرِيُّ الرَّفَاء، بِتَحْقِيقِ الأَسْتاذِ مصباح غلاونجی و رعاية مجمع اللُّغة العربیة بدمشق، بی تا.

المُسْتَظَرَفُ فِي كُلِّ فَنٍّ مُسْتَظَرَف، تألیف بهاء الدین أبی الفتح محمد بن احمد بن منصور الأبيشي، عُني بِتَحْقِيقِهِ ابراهيم صالح، دار صادر، بیروت ۱۹۹۹.

المصون في الأدب، تألیف ابی احمد الحسن بن عبدالله العسکری، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، کویت ۱۹۶۰.

معاهد التنصيص علی شواهد التلخیص، تألیف الشیخ عبدالرحیم بن احمد العباسی، حَقَّقَهُ و عَلَّقَ حَواشِيَهُ و صَنَعَ فَهَارِسَهُ محمد محیی الدین عبدالحمید، مطبعة السعادة، قاهره ۱۳۶۷ ق / ۱۹۴۷.

مُعْجَمُ الْأَدْبَاءِ، لِيَاقُوتِ الْحَمَوِيِّ، دَارِ احْيَاءِ التَّرَاثِ الْعَرَبِيِّ، بِيْرُوتِ بِيْ تَا.
مُعْجَمُ الشُّعْرَاءِ، لِإِمَامِ ابِي عُبَيْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ الْمَرْزِبَانِيِّ، وَمَعَهُ الْمُؤَلَّفُ وَالْمُخْتَلَفُ فِي أَسْمَاءِ الشُّعْرَاءِ وَ
كُنَاهُمْ وَالْقَائِمِينَ وَتَسَابِيهِمْ وَبَعْضِ شِعْرِهِمْ، لِإِمَامِ ابِي الْقَاسِمِ الْحَسَنِ بْنِ يَشْرِ الْأَمِيدِيِّ، بِتَصْحِيحِ وَتَعْلِيْقِي
الْأَسْتَاذِ الدُّكْتُورِ ف. كِرِنِكُو، مَكْتَبَةِ الْقُدْسِيِّ، ١٣٥٤ ق.
النُّجُومُ الزَّاهِرَةُ فِي مَلُوكِ مِصْرَ وَالْقَاهِرَةِ، تَأَلَّفَ جَمَالُ الدِّينِ ابِي الْمَحَاسَنِ يُوْسُفُ بْنُ تَنْغَرِي بِرْدِي الْأَنْبَاقِيِّ،
مَطْبَعَةُ دَارِ الْكُتُبِ الْمِصْرِيَّةِ، قَاهِرَةَ ١٣٥٣ ق / ١٩٣٥.
نُفْحَةُ الرُّبْحَانَةِ وَرَشْحَةُ طَلَاءِ الْحَادِثَةِ، لِمُحَمَّدِ امِينِ بْنِ فَضْلِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ الدِّينِ الْمُجِيبِيِّ، عَيْسَى الْبَلْبَاسِيُّ الْحَلَبِيُّ وَ
شُرَكَاهُ، ١٩٩١ / ١٤١١.
نَهَايَةُ الْأَرْبِ فِي فَنُونِ الْأَدَبِ، تَأَلَّفَ شَهَابُ الدِّينِ اِحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ التُّوَيْرِيُّ، مَطْبَعَةُ دَارِ الْكُتُبِ الْمِصْرِيَّةِ،
قَاهِرَةَ ١٣٤٧ ق / ١٩٢٩؛ ١٣٧٤ ق / ١٩٥٥.
وَقِيَاثُ الْأَعْيَانِ وَأَنْبَاءُ أَبْنَاءِ الزَّمَانِ، لِأَبِي الْعَبَّاسِ شَمْسِ الدِّينِ اِحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ ابِي بَكْرٍ خَلْكَانَ، حَقَّقَهُ وَ
عَلَّقَ حَوَاشِيَهُ وَصَنَعَ فِهْرَاسَهُ مُحَمَّدُ مَحْيِي الدِّينِ عَبْدِ الْحَمِيدِ، مَكْتَبَةُ النَّهْضَةِ الْمِصْرِيَّةِ، قَاهِرَةَ
١٣٦٧ ق / ١٩٤٨.
يَتِيْمَةُ الدَّهْرِ فِي مَحَاسِنِ أَهْلِ الْعَصْرِ، تَأَلَّفَ ابِي مَنْصُورِ عَبْدِ الْمَلِكِ التُّعَالِبِيِّ النَّيْسَابُورِيِّ، شَرْحٌ وَتَعْلِيْقٌ الدُّكْتُورِ
مَفِيدِ مُحَمَّدِ قَمِيحَةَ، مَنَشُورَاتِ مُحَمَّدِ عَلِي بِيضُونَ، دَارِ الْكُتُبِ الْعِلْمِيَّةِ، بِيْرُوتِ ١٤٢٥ / ٢٠٠٥.

□

پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی